

NEUES TESTAMENT

Die Gute Nachricht

**NEW (5)
NOUVEAU
TESTAMENT
IN**

**PERSIAN
FARSI
IRANIAN
V**

PERSAN

PERSISCHE

کتاب

پیمان تازه

خداوند وراننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسيحيه

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیته

کرت سیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع گردید

۱۸۳۷

مسیحیه

THE
NEW TESTAMENT

OF
OUR LORD AND SAVIOUR

JESUS CHRIST

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,
INTO PERSIAN,

BY THE
REV. HENRY MARTYN, B.D.

FOURTH EDITION.

LONDON:
PRINTED BY RICHARD WATTS,
FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,
IN THE YEAR
1837.

فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان .</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریان</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ 1</p> <p>انجیل مرقس 83</p> <p>انجیل لوقا 135</p> <p>انجیل یوحنا 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان 496</p>
---	---

اعمال حواریان

باب اول

- ۱ ای نیوفلس کتاب نخستین که تصنیف کردم در باره آن همه
- ۲ چیزنائی که عیسی شروع بعمل نمودن و تعلیم دادن کرد * تا آنروز
- ۳ که بحواریان برگزیده بروج القدس فرمان داده صعور نمود * و او
بهمان کسان خود را بعد از وفاتش زنده بنشانیهامی بسیار نمود که
تا مدت چهل روز بر ایشان هویدا بود و بمملکت خدا تکلم
۴ میفرمود * و بانها ملاقات نموده قدغن کرد که از اورشلیم جدا مشوید
بلکه آن وعده پدر را که خبرش از من شنیدید منتظر باشید
۵ * بدرستیکه یحیی باب غسل میداد اما شما چند روز بعد ازین
۶ بروج القدس غسل خواهید یافت * پس ایشان باهم جمع
شده و او را پرسیده گفتند ای آقا همین وقت است که تو
۷ ملکوت را بر اسرائیل معین میکنی * بانها گفت که از شما
نیست که زمانها یا وقتهائی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته
۸ است بدانید * لیکن بنزول روح القدس بر شما توانائی خواهید
یافت وهم در اورشلیم و در همگی یهودیه و سمیری و تا اقصای زمین
۹ شاهدان من خواهید بود * و او اینهارا گفته در پیش نظر آنها
۱۰ صعور نمود و او را فرو گرفته از چشم آنها پنهان کرد * و هنگامی
که در هوا می نگرستند و او میرفت نگاه دو مرد سفید پوش نرد

- ۱۱ آنها ایستاده بوزند * که گفتند ای مردان جلیلی چرا شما ایستاده
 و در آسمان نگرانید همین عیسی که از پیش شما با آسمان صعود نمود
- ۱۲ خواهد آمد بهمان طور که او را دیدید که رفت با آسمان * آنگاه
 ایشان بر کشتند باورشلیم از کوه مستمی بریتون که نزدیک
- ۱۳ باورشلیم است و مسافت راه یکروز سبت دارد * چون در
 آمدند بر بالا خانه رفتند و آنجا مستمر بوزند پطرس و یعقوب و یوحنا
- ۱۴ و اندریاس و فیلیپوس و ثوما و برتلمی و متی و یعقوب پسر حلفا
 و شمعون غیور و یهووا پسر یعقوب * و همه اینها با زنان و مریم
- ۱۵ مادر عیسی و برادرانش در نماز و دعا متفقاً پیوسته می بوزند * و در
 آن ایام پطرس در میان شاگردان برخاسته حرف زد و مجموع آنها
- ۱۶ تخمیناً یکصد و بیست نفر بوزند * و گفت ای برادران بایست
 کامل کردو آن کتاب که روح القدس بزبان داود گفت در باره
- ۱۷ یهووا که گیرنده کان عیسی را راه نما شد * که او با ما شمرده شده
 بود و قسمت در این * خدمت یافت و آنکس از اجرت عمل
- ۱۸ ناشایسته زمین را خرید و بررو افتاده شکمش درید و قامی امعیایش
 ریخته شد * و این مقدمه بهمکنی ساکنان اورشلیم معلوم شد
- ۱۹ بنهجی که آنزمین در لغت آنها اکلدم یعنی زمین خون خوانده
 شد * که در کتاب مزامیر نوشته شده است که مسکن او ویران
 شود و در آن هیچکس ساکن نباشد و منصب نظارتش را دیگری
- ۲۱ بگیرد * پس باید از آن اشخاص که مصاحبان ما بوده اند در هر
 وقت که خداوند عیسی با ما آمد و رفت مینمود * از آغاز غسل دادن
- ۲۲ بجایی تا آنروزی که از نزد ما صعود نمود یکی از ایشان شاهد

۲۳ باشد بر برخاستن او * پس دو نفر را یعنی یوسف که بر متیاس نام داشت و بیوسطس ملقب بود و متیاس را تعیین کردند
 ۲۴ * و دعا کردند و گفتند خداوند تو عارف دل‌های همه نشان ده که
 ۲۵ ازین دو نفر کدام را برگزیده * تا قسمت این خدمت و رسالت
 ۲۶ که بهر او بتجاوز منحرف گشت تا آنکه بمقام خود برود * پس
 قرعه‌های خود را دادند و قرعه بنام متیاس بیرون آمد و در سبک
 یازده حواری منتظم گشت

باب دوم

- ۱ و چون روز پنجاهم رسید همگی باتفاق یکجا بودند * ناگاه صدائی
- چون صدای باد شدید که می وزید از آسمان آمد و همه آخان را که در
- ۲ آنجا نشسته بودند بر کرد * و زبانهای شکافته شده چون زبانهای
- ۳ آتش بر آنها آشکارا گروید و هر یکی از آنها بنشست * و همگی
- ایشان بروح القدس مملو گشتند و زبانهای مختلف بنوعی که
- ۴ روح بانها قدرت تکلم بخشیده بود آغاز گفتن کردند * و در آنوقت
- مردان صالح از یهودیان که از ربیع مسکون آمده بودند در اورشلیم
- ۵ ساکن می بودند * و چون اینمقدمه شیوع یافت گروه باهم جمع
- شده تعجب می نمودند چه هر کس لغت خود را از ایشان می
- ۶ شنید * و همه محو شده تعجب می نمودند و بیکدیگر گفتند که آیا
- ۷ همگی این کسانیکه حرف میزنند جلیل نیستند * پس چگونه
- است که ما هر یکی لغتی را که در آن متولد شده ایم از ایشان می
- ۸ شنویم * ما که پارسیان و مادریان و علمایان و ساکنان جزیره و یهودیه
- ۹ و قبطیه و پنتس و آسیه * و فرکیه و پامفولی و مصر و نواحی لیبیا که

- متصل بقیروان هست و مسافران از رومیها و یهود و یهود جدید
- ۱۱ * و کریتی و عرب میباشیم ایشان را در زبانهای خود مان می شنویم
- ۱۲ که بکبر یائیهای خدا تکلم می نمایند * و همه در تحیر و ترور بودند و با
- ۱۳ یکدیگر میگفتند که غایت این بکجا انجامد * و بعضی استهزا کنان
- ۱۴ میگفتند که ایشان از شراب تازه مملو شده اند * آنگاه بطرس
- و آن یازده نفر با او از بلند آنها را مخاطب نموده فرمود که ای مردم
- یهودیه و ای همگی ساکنان اورشلیم این مقدمه را بیامید و کلام مرا
- ۱۵ بگوش خود جا دهید * که نیست چنین که شما پنداشته اید که اینان
- ۱۶ مستند زیرا که سه ساعت از روز گذشته است * بلکه این است
- ۱۷ آنچه بوساطت یوئیل پیغمبر گفته شده است * که حکم خداست
- که در ایام آخر چنین خواهد بود که من از روح خود بر همه بشر
- خواهم ریخت و پسران و دختران شما اخبار بغیب خواهند نمود
- ۱۸ و جوانان شما را مکاشفه خواهد بود و پسران را رؤیا * بلکه در آن ایام
- بر غلامان و کنیزان خود از روح خود خواهم ریخت و اخبار بغیب
- ۱۹ خواهند نمود * و خواهم نمود در بالای آسمان عجایب و پائین بر
- ۲۰ زمین غرایب را از خون و آتش و بخار و دود * و آفتاب بتاریکی
- و ماه بخون مبدل خواهد شد پیش از آمدن روز عظیم و نامدار
- ۲۱ خداوند * و چنین خواهد شد که هر کس که اسم خداوند را خواند
- ۲۲ نجات خواهد یافت * ای مردان اسرائیلی این سخن را بشنوید
- که عیسای ناصری مروی که هویدا کرد او را خدا بر شما بوساطت امور
- قوی و معجزات غریب و علامات عجیب که خدا بوساطتش
- ۲۳ در میان شما بظهور آورد چنانچه شما خود میدانید * آنکس را که بار آورده

- قدیم و تقدیر خدا تسلیم شده بود شما گرفته بدستهای ناراست خود
 ۲۷ میخ زوه قتل نمودید * آنکس را خدا بر خیزانید که بنده‌های مرگ را
 ۱۵ کشاد زیرا که ممکن نبود که او در چنگش بماند * که داود در باره
 وی میگوید که من خداوند را علی‌الدوام در پیش روی خود دیده
 ام که بر دست راست منست که مبادا که من مضطرب شوم
 ۲۴ * و جهت آن ولم خوشنود است و زبان من بوجد آمده است
 ۲۷ و علاوه بر آن جسم من نیز باسراحت خواهد آرمد * که تو نفس
 مرا در قبر نخواهی گذاشت و اجازت نخواهی داد که بر کزیده تو
 ۲۸ فساد را بیند * و راه‌های زنده‌گی را بمن نشان داده و مرا از رویت
 ۲۹ خود پر از سرور خواهی کرد * ای برادران در حق ترک اجداد
 و اود بی محابا بشما میتوانم گفت که هم وفات کرد و هم دفن شد
 ۳۰ و قبرش هم تا امروز در میان ما هست * پس ازین جا که پیغمبر
 بود و یاد داشت که خدا بجهت او سوگند خورده بود که از نسلش
 ۳۱ از حیثیت جسم مسیح را بیرون آرد تا که بر تختش بنشیند * او
 سبقت کرده از بر فاستن مسیح سخن میگوید که نفس او در قبر
 ۳۲ و گذاشته نشده است و فساد را جسمش ندیده است * و این
 ۳۳ عیسی را خدا بر خیزانید و ما همه برین مطلب شاهد هستیم * پس
 صعور بدست راست خدا نموده و روح القدس معهود را از پدر
 ۳۴ یافته ریخته است این را که شما حال می بینید و می شنوید * چه
 داود خود بسوی آسمان صعور نه نمود بلکه گفت که خداوند بخداوند
 ۳۵ من گفته است که بنشین بر دست راست من * و او امیکه
 ۳۴ و شمنان تورا لگدکوب پایهای تو گردانم * پس همه قوم اسرائیل

- یقین بدانند که خدا خداوند و مسیح نموده است همین عیسی را که
 ۳۷ شما اورا صلیب نمودید * و ایشان این کلام را شنیده بر دل شان
 فرو رفت پطرس و باقی حواریان را گفتند چه کنیم ای برادران
 ۳۸ * پطرس بایشان گفت که توبه کنید و هر یک از شما باسم عیسی
 مسیح بجهت آمرزش کنان غسل بیابید که روح القدس را
 ۳۹ بانعام خواهید یافت * که وعده شده است برای شما و فرزندان
 شما و همه آنها که دور میباشند و هر کس را که خداوند خدای ما بخواند
 ۴۰ * و کلام بسیار دیگر دلیل آورد و نصیحت می نمود بقصد آنکه شما
 ۴۱ ازین طبقه کجرو نجات یابید * پس ایشان سخنش را خوشنودوی
 قبول نموده غسل یافتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر ملحق
 ۴۲ گردیدند * و در تعلیم گرفتن از حواریان و خیران نمودن و شکستن
 ۴۳ نان و درعنا و ایم مشغول بودند * و هر یک را خوف فرو گرفته که
 ۴۴ بسیار عجایب و غرایب از حواریان صادر می شد * و جمیع
 ۴۵ ایمان داران با هم بوه همه چیز را با هم مشترک داشتند * و مال
 و اسبابی را که میفروختند بهر یک بقدریکه احتیاج داشتند قسمت
 ۴۶ می نمودند * و پیوسته باتفاق هر روزه در هیکل می بودند و با خوشدلی
 و پاکدلی خانه بخانه نان شکنان خوراکی را با یکدیگر تناول می نمودند
 ۴۷ * و خدا را حمد می گفتند و نرد تمامی خلق عزیر می بودند و خداوند
 ناجیان را هر روز بر کلیسیا مزید می نمود

باب سیم

- ۱ و در روزی در ساعت نهم که هنگام دعاست پطرس و یوحنا
 ۲ باتفاق بسوی هیکل می شتافتند * مروی را که شل مادر زاد بود

- ۱ میبروند او را هر روز بر در هیکل که مستمی بوجیه است میکنند
- ۲ که تا از خلق که بهیكل در می آمدند سؤال صدقه نماید * آنکس چون بطرس و یوحنا را دید که می خواهند که داخل هیكل شوند
- ۳ بگرفتن صدقه سؤال نمود * بطرس با یوحنا بر او نکر بسته ویرا
- ۴ گفتند که بسوی ما بنگر * و او ایشان را التفات نموده منتظر بود که
- ۵ چیزی از آنها یابد * بطرس گفت که نقره و طلائی مرا نیست
- ۶ لیکن آنچه دارم بتو میدهیم که باسم عیساى مسیح ناصری برخیز
- ۷ و خرام * و او را بدست راست گرفته بر خیزانید فی الفور قدمها
- ۸ و کعبههای او استوار شد * و از جا بسته ایستاد و خرامید و آنها در
- ۹ هیكل در آمد خرامان و رقص کنان و خدا را حمد کنان * و مردم او را
- ۱۰ خرامان و خدا را حمد گویان ملاحظه نمودند * و او را شناختند که این همانست که بر در وجیه هیكل بجهت سؤال صدقه می نشست
- ۱۱ و از آنچه باو واقع شده بود مملو از تحیر و تعجب شدند * و هنگامی که آن شل که شفا یافته بود هنوز متمسک ببطرس و یوحنا بود مردم
- ۱۲ از حیرت بسوی طاقی که سلیمانی نام دارد میدویدند * چون بطرس این را ملاحظه نمود با خلق تکلم نمود که ای مروان اسرائیلی چرا ازین تعجب میکنند و چرا در ما می نگرید گویا که ما بقوت یا
- ۱۳ صلاحیت خود او را خرامان ساختیم * خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب خدای پدران ما پسر خود عیسی را جلال داد همانکس را که شما تسلیم کردید و در پیش پیلطس انکار نمودید و حال آنکه او قصد
- ۱۴ رائیش نموده بود * و شما آن مقدس عادل را انکار کردید و خواستید
- ۱۵ که مرد قتالی بشما بخشیده شود * و پیشوای زنده کسی را کشتید اما

- خدا او را از میان مرده‌گان برخیزانید و ما بر این مطب شاهدان
- ۱۶ هستیم * واسم او بوسیله ایمان با اسم او اینکس را که شما می بینید و می شناسید استوار نموده است و ایمان بر او این شفای
- ۱۷ کامل را در نزد همگی شما بوی داده است * ای برادران میدانم
- ۱۸ که آنها را از جهالت گردید و همچنین بررگان شما * لیکن خدا آنچه را که خبر داده بود در باره وفات مسیح بر زبان همگی پیغمبران
- ۱۹ باین طور کامل کرد * پس توبه نمائید و بازگشت کنید تا که کنایان
- ۲۰ شما محو شود و تا که زمان تازه کیر از حضور خداوند بیاید * و عیسانی
- ۲۱ مسیح را که قبل از این بشما ندا کرده شده بود باز بفرستد * زیرا که باید که آسمان او را نگاه دارد تا وقت تبوت آنچه خداوند بر زبان
- ۲۲ پیغمبران مقدس خود از ایام قدیم فرموده است * که موسی پدران ما گفت که خدای شما خداوند پیغمبری را مثل من از برای شما از میان برادران شما مبعوث خواهد نمود و هر چه او
- ۲۳ بشما گوید شمار است که اطاعت نمائید * و اینچنین خواهد بود که هر کس که سخن آن پیغمبر را نشنود از قوم بریده خواهد شد
- ۲۴ * و همگی پیغمبران از سموئیل و متعاقبان او هر کس که چیزی
- ۲۵ تکلم نموده است خبر از این ایام داده است * و شما پسران آن پیغمبران هستید و پسران آن وثیقه که خدا با پدران ما موقت کرد چون با ابراهیم گفت که همگی قبایل زمین بنسل تو مبارک
- ۲۶ خواهد شد * پس نخستین خدا پسر خود عیسی را برخیزانید بنزد شما فرستاد که برکت دهد شمارا بهر گروانیدن هر کس را از اعمال
- زشت خود

باب چهارم

- ۱ و هنوز ایشان با مردم تکلم می نمودند که کاهنان و سرورا هیکل
- ۲ و صادر و قیام بر آنها فرود آمدند * زیرا که در نشویش بودند از آنکه
- ایشان مردم را تعلیم می کردند و خیر میدادند که قیامت مرده کان
- ۳ بعیسی است * پس ایشانرا گرفتار نمودند و چون آنروز عصر
- ۴ میبود تا فرود ایشانرا محبوس نمودند * و بسیاری از آنان که کلام را
- شنیده بودند ایمان آوردند و عدد مردان تخمیناً پنج هزار نفر میشد
- ۵ * و شد که روز دوم رؤسای ایشان و بررکان و نویسنده کان در
- ۶ اورشلیم جمع آمدند * و کاهن بزرگ حنا و قیافا و یوحنا و سکندر
- ۷ و همه خویشان کاهن بزرگ نیز جمع آمدند * پس ایشانرا در میان
- بر پا داشتند و سؤال نمودند که شما بچه توانائی و بچه اسم این
- ۸ عمل را نمودید * آنگاه پطرس پر از روح القدس بایشان گفت که
- ۹ ای رؤسای قوم و بررکان بنی اسرائیل * اگر امروز سؤال میشود
- از ما در باره احسان این مرد ضعیف که بوساطت چه کس
- ۱۰ نجات یافت * همگی شما و قوم اسرائیل بدانید که باسم عیسی
- مسیح ناصری که شما اورا صلیب نمودید و خدا از میان مرده کانش
- بر خیزانید بوساطت همان این شخص در پیش روی شما صحیحاً
- ۱۱ ایستاده است * این است آن سنگ که شما معماریان آن را
- ۱۲ رو نمودید و حال سر کوشه شده است * و هیچ کس دیگر نجات
- نیست زیرا که در زیر آسمان نامی دیگر نیست که بانسان داده
- ۱۳ شده باشد که ما بسبب آن نجات توانیم یافت * و ایشان
- در بی پروائی پطرس و یوحنا در تکلم نظر نمودند و از عدم سواد و تعلم

- آنها مخبر شده تعجب نمودند و یافتند که ایشان با عیسی بیوه اند
 ۱۲ * و از آنجا که آن شخص شفا یافته را یا ایشان ایستاده میدیند
 ۱۵ مطلقاً دانستند جواب داد * چون حکم نمودند که آنها را از مجلس
 ۱۶ بیرون نمایند با یکدیگر مشورت نمودند * که چه کنیم با این اشخاص
 که همه ساکنان اورشلیم مطلع شدند که معجزه‌نمایی از آنها بظهور
 ۱۷ رسید و انکارش را نمی توان نمود * لیکن باید ایشانرا سخت
 ترسانید که ویکر با هیچکس باین اسم تکلم نمایند که مبادا در میان
 ۱۸ مردم بیش ازین شهرت نماید * پس ایشانرا خوانده قدغن
 ۱۹ نمودند که ویکر با اسم عیسی مطلقاً تکلم نمایند و تعلیم ندهند * پطرس
 و یوحنا ایشانرا جواب دادند که آیا درست است نرو خدا که
 ۲۰ بشنویم سخن شمار بیش از سخن خدا انصاف دهید * زیرا که ما را
 ۲۱ ممکن نیست که نگوئیم آنچه را که دیده و شنیده ایم * پس
 ایشانرا مکرر تهدید نمودند و رخصت کردند زیرا که بسبب خلق بهانه
 نیافتند که ایشانرا عذاب نمایند که همگی خلق بجهت وقوع این
 ۲۲ امر خدا را حمد مینمودند * چونکه آن شخص که با اعجاز شفا یافته
 ۲۳ بیوه بیش از چهل سال داشت * و ایشان مرخص شده بنرو
 و استان خود آمدند و ایشانرا آنچه کاهنان بر رک و مشایخ گفته
 ۲۴ بودند خبر دادند * و آنها چون این خبررا استماع نمودند همه بیکبار
 آوارا بخدا بلند نمودند گفتند که خداوند تو آن خدائی که آسمان
 ۲۵ و زمین و دریا و همگی آنچه در آنهاست آفریده * و تو بزبان بنده
 خود داد گفتی که چرا قبایل هنگامه می کنند و مردم خیال باطل
 ۲۶ مینمایند * و پادشاهان زمین با هم آمدند و حکام با هم مجتمع گردیدند

- ۲۷ بر خلاف خداوند و خلاف مسیحش * وفی الواقع بر خلاف فرزند
مقدس تو عیسی که تو اورا مسیح نمودی هیروویس و پنطیوس
- ۲۸ پیلاطس با قبایل و قوم اسرائیل با هم جمع شدند * تا هر آنچه را
۲۹ دست تو واراده تو بان تعلق گرفته بود بوقوع آرند * خداوند
الحال بر تهدیدات آنها نظر فرما و بنده کان خود را مرحمتی عطا کن
۳۰ که بکمال جرأت کلام تو را گویا باشند * باینکه دست خود را برای
شفا دراز کن تا آنکه با اسم فرزند مقدس تو عیسی امور عجیب
۳۱ و غریب رو نماید * و چون این دعا را نمودند آن مقامی که در آن
مجمع بودند بجنبش در آمده و همگی بروح القدس مملو گشتند
۳۲ و کلام خدا را بجزأت میگفتند * و گروه ایمان داران بیدل و یکجان
بودند بحیثیتی که هیچیک چیزی را از مال خود نکفت که زان
۳۳ منست بلکه همگی در آن شریک بودند * و پیوسته حواریان بر
برخاستن خداوند عیسی بقوت قوی شهادت دادند و توفیق عظیم
۳۴ با همه آنها بود * و هیچ کس در میان آنها محتاج نبود زیرا که کسانیکه
مالکان زمینها بودند آنها را فروخته قسمت آنها را می آوردند
۳۵ * و پیش پایهای حواریان می گذاشتند و بقدر احتیاج بهر کس
۳۶ قسمت میشد * و یوسا که از حواریان پیرنباس ملقب شده
بود که ترجمه آن فرزند تسلی است و از لائویشین بود و نسب او
۳۷ قهری بود * رمینی را که مالک آن بود فروخته قسمتش را آورده
پیش پایهای حواریان ریخت

باب پنجم

۱ و حنانیاس مردی باتفاق زن خود صغیره ملکی را فروخت

- ۲ * قدری از قیمت آنرا باطلاع زنش پنهان نمود و پاره را آورد
- ۳ و پیش پای حواریان گذاشت * پطرس گفت ای حنانیاس چرا شیطان دلت را قومی نموده است که نسبت به روح القدس
- ۴ دروغ گفتی و از قیمت زمین چیزی را پنهان نمودی * آیا چون آن ملک از تو بود مختص تو نبود و چون فروختی نه در اختیار تو بود چرا این عمل را بقلب خود جا دادی و حال آنکه با خلق دروغ
- ۵ نگفتی بلکه با خدا * و حنانیاس بجزو استماع این کلام افتاده و جان را سپرد و بر تمامی آن کسانی که این را شنیدند خوف عظیم
- ۶ استیلا یافت * و چند از جوانان بر خاسته او را پیچیدند و بیرون
- ۷ برده و دفن نمودند * و نهمینا سه ساعت ازین گذشت که زنش
- ۸ این مقدمه را ندانسته داخل شد * پطرس باو گفت باز کو که آیا زمین را بفلان قیمت فروختید یا نه گفت بلی بآن قیمت
- ۹ * پس پطرس گفت که بچه جهت اتفاق نمودید که روح خداوند را امتحان نمائید اینست آنکسان که شوهر تورا دفن نمودند بر آستان
- ۱۰ ایستاده تورا هم خواهند برد * که فی الفور نزد پاپهای او افتاده مرد و جوانان در آمده او را بیجان یافتند پس بیرونش کشیده نزد
- ۱۱ شوهرش دفن نمودند * و بر مجموع کلیسیا و همه آمانی که این بار شنیدند ترس مسئولی شد * و امور غریب و عجیب بسیار در میان
- ۱۲ خلق بدست حواریان جاری شد و ایشان مجموع متفقاً در طاق سلیمان می بوزند * و از سایر خلق هیچ کس را جرأت نبود که
- ۱۳ بایشان ملحق شود و مردم ایشان را تعظیم می نمودند * و پیش از اول بر خداوند ایمان آورده فوج مردان و زنان ملحق می شدند

- ۱۵ * بمرتبگی که بماران را بر تختها و چهارپایه‌های در میدان با آوردندی که گاه هست که سایه پطرس هنگام عبور بر یکی از آنها افتد
- ۱۶ * و مردم بسیار از بلدان حوالی باورشلیم آمده بماران را و کسانیرا
- ۱۷ که از ارواح پندیده رنج دیده باخورد آورده همگی شفا می یافتند * در اینوقت کاهن بزرگ ورقفای او که طایفه صادوقیانند از
- ۱۸ غیرت پر شده و برخاسته * حواریان را دستگیر نموده در محبس
- ۱۹ عام انداختند * و یکی از ملائکه خداوند در شب دروازه زندان را
- ۲۰ کشاوه ایشان را بیرون آورده گفت * بروید و در هیکل ایستاده
- ۲۱ همگی سخنهای این راه حیات را بمردم تکلم نمائید * ایشان این را شنیده هنگام صبح بهیكل در آمده تعلیم دادن گرفتند
- و کاهن بزرگ و مصاحبانش آمده اصحاب شور و مشایخ بنی اسرائیل را طلب نموده فرستادند زندان که آنها را بیارند
- ۲۲ * سرهنگان زندان در آمده ایشانرا نیافتند بر کشته ایشان را خبر
- ۲۳ دادند * و گفتند که یافتیم زندان را که با احتیاط کلنی بسته بود و کشیلچیان بیرون در ایستاده بودند لیکن در را باز کرده هیچ
- ۲۴ کس را در درون نیافتیم * چون کاهن و سردار هیكل و کاهنان بزرگ این سخن را شنیده در باره آنها در حیرت افتادند که آیا
- ۲۵ این چه باشد * که شخصی آمده ایشان را خبر داد که اینک آن اشخاصی را که شما در زندان نمودید در هیكل ایستاده مردم را
- ۲۶ تعلیم میدهند * در آن وقت سردار هیكل با سرهنگان رفته آنها را آوردند لیکن نه بحیرت زیرا که می ترسیدند از خلق که مبادا
- ۲۷ ایشان را سنگسار نمایند * پس ایشان را در مجلس آورده برپا

- ۲۸ داشتند * وکاهن بزرگ از ایشان پرسیده گفت که آیا ما شمارا
 قدغن بلیغ نمودیم که باین اسم و پیکر تعلیم ندهید و اینک از تعلیم
 دادن خود اورشلیم را پر نموده اید و می خواهید که خون آن
 ۲۹ شخص را بگردن ما ثابت نمائید * بطرس و حواریان جواب دادند
 ۳۰ که اطاعت خدا را بیش از اطاعت خلق باید نمود * و خدای پدران
 ما عیسی را بر خیزانید آنکس که شما اورا بردار آویخته قتل نمودید
 ۳۱ * همانرا خدا پیشوا و نجات دهنده بر دست راست خود بلند کرده
 ۳۲ است که تا توبه و آمرزش کنانرا با اسرائیل عطا نماید * و ما بر این
 سخنان کوانان هستیم و روح القدس نیز که خدا اورا بانانی که
 ۳۳ اطاعت اورا می نمایند کرامت کرده است * و چون آنها این را
 شنیدند دل ایشان خراشیده شد و در باره قتل آنها مشورت
 ۳۴ نمودند * و شخصی از طایفه فریسیان که مستمی بجملائیل بود و از
 علمای دین و ترویج عزیز بود در مجلس برخاسته حکم نمود که
 ۳۵ ساعتی حواریان را از مجلس بیرون برند * و گفت آنها را که ای
 مردان اسرائیلی با خذر باشید که در حق ایشان چه اراده دارید
 ۳۶ که نمائید * زیرا که قبل از این اوان ثیودا خروج نمود و خود را شخصی
 می پنداشت و گروهی نزدیک بچهار صد نفر بر او گرویدند و او خود
 کشته شد و آنهایی که اطاعتش مینمودند برکنده و بر طرف شدند
 ۳۷ * و بعد از آن یهودای جلیلی در ایام اسم نویسی برخاست
 و چندی خلق را بمتابعت خود منحرف گردانیده او نیز هلاک
 ۳۸ شد و همه متابعتش برکنده شدند * الحال شمارا میگویم که از
 ایشان دست بردارید و آنها را واکذارید زیرا که اگر این اراده

۳۹ و اعمال از جانب خلق باشد بر طرف خواهد شد * و اگر از خدا باشد شما آنرا بر طرف نمی توانید نمود و شاید که با خدا معارضه نموده
۴۰ باشید * پس آنها با او متفق شده حواریان را پیش طلبیده
تاز بانه زوده حکم نمودند که دیگر باسم عیسی تکلم ننمایند و آنها را مرخص
۴۱ نمودند * و ایشان از آن مجلس با خورسندی روان شدند از آنرو
که شایسته آن شمرده شده بودند که برای اسم او رسوائی کشند
۴۲ * و هر روز در هیكل و خانها از تعلیم و مژده دادن بعیسی که مسیح
است باز نایستادند

باب ششم

۱ و چون در آن ایام شاکردان زیاده شدند به یونانی از عبرانی
شکایت نمودند زانرو که بیوه های آنها از ایشان در قسمت روزینه
۲ گرفتن کم اعتنا کرده شدند * پس آن دوازده نفر گروه شاکردان
طلب نموده گفتند که شایسته نیست که ما کلام خدا را ترک کرده
۳ خدمت خان را نایم * پس اسی برادران شما هفت مرد معتبر بر آن
روح القدس و عقل را از میان خود اختیار نموده که ما آنها را بر
۴ این شغل مقرر خواهیم ساخت * و ما خود بدعا و رسانیدن کلام
۵ خواهیم پرداخت * و این سخن همگی آن جمع را خوش آمده پس
استفان مردی بر از ایمان و روح القدس و فیلیپوس و دیگر کرس
و نیکانور و تیمون و پرمناس نیکلاوس جدید انطاکیی را اختیار کردند
۶ * پس اینها را نزد حواریان بر پا داشته آنها دعا نموده و دستها را بر
۷ ایشان گذاشتند * و کلام خدا وسعت بهم رسانیده و در اورشلیم
عدد شاکردان بغایت می افزود و گروه بسیاری از کاهنان نیز

- ۸ مطیع ایمان شدند * واستفان مملو از ایمان وقوت شده امور
 ۹ عجیبه وعلامات عظیمه در میان خلق بظهور میرسانید * وتنی چند
 از مجمع مستمی به لیبرتیان واهل قیروان وسکندریان واهل
 ۱۰ قلقیا واسیه پرفارسته باستفان مباحثه نمودند * آنها را با عقل وروحی
 ۱۱ که در سخنش بود امکان مقاومت نبود * پس تنی چند را پیدا
 نمودند که گویند که ما ازومی شنیدیم که نسبت بموسی و خدا کلام کفر
 ۱۲ آمیز می گفت * پس خلق وپژرگان ونویسنده گان را برانگیخته تا
 ۱۳ آمده اورا گرفتار نمودند وبمحبس در آورند * وشاهدان دروغ
 کورا برپا داشته گفتند که این شخص از گفتن سخنهای کفر
 ۱۴ آمیز بر این مکان مقدس واثین دست برنمیدارد * که ما شنیدیم
 ازومی که می گفت این عیسی ناصری این مکان را خراب
 خواهد نمود ورسومی که موسی بیا سپرده است تغتیر خواهد داد
 ۱۵ * وهمه حضار مجلس چشم بر او دوخته صورتش را ملاحظه مینمودند
 که چون صورت ملک می بود

باب هفتم

- ۶ وکاهن بزرگ سؤال کرد که آیا راست است اینها * او
 گفت که ای برادران وپدران بشنوید که خدای ذوالجلال برپدر
 ما ابراهیم در وقتیکه در ملک جزیره بود قبل از سکناش درخران
 ۳ هویداکشت * وویراگفت که از زمین خود واز میان خویشان
 ۴ خود بیرون آمی وپزمینی که من تورا نشان میدهم بیا * پس از
 زمین کلدیان بیرون آمده درخران ساکن شد وبعد از وفات
 پدرش اورا از آنجا باین محل که حال شما ساکن هستید

- ۵ کوچانید * وبقدر نقش پای او را از اینجا بملکیت نداد و وعده کرد که آن را بتصرف او و بعد از او بنسل او در آورد با وجودیکه او را
- ۶ فرزندی نبود * و خدا باین قسم فرمود که اولادش در زمین غریب بیکانه خواهند بود و اهل آنجا آنها را مدت چهار صد سال بینده
- ۷ کسی خواهند گرفت و بد سلوکی خواهند نمود * و فرمان خداست که من باین طایفه که ایشان را بغلامی گرفته اند حکم خواهم نمود و بعد از آن بیرون آمده درین مقام بنده کسی مرا خواهند نمود
- ۸ * و ختنه را بپیمان بومی داد و اسحاق از او در آن حالت بوجود آمد و در روز هشتم او را ختنه نمود و از اسحاق یعقوب بوجود آمد و از یعقوب
- ۹ دوازده پدر اسباط * و پدران اسباط از یوسف حسد برده در ملک
- ۱۰ مصر فروختندش لیکن خدا باومی می بود * و او را از تمامی زحمتهای رستگار نمود و توفیق و عقل را در حضور فرعون پادشاه مصر بومی داده که او ویرا بر مصر و بر همگی خاندان خود بوکالت مقرر فرمود
- ۱۱ * و کرانی و زحمت بسیار در مجموع ملک مصر و کنعان پدید
- ۱۲ شد و نیافتند پدران ما قوتی را بجهت خود * و چون یعقوب شنید که در مصر غله یافت می شود نخست پدران ما را فرستاد
- ۱۳ * و در کرت و بکر یوسف خورا برادران خود ظاهر نمود و قوم
- ۱۴ یوسف بر فرعون آشکارا کردینند * و یوسف فرستاد پدر خود یعقوب و سایر خویشان خود را که هفتاد و پنج نفر بودند از آنجا
- ۱۵ آورد * پس یعقوب بمصر فرود رفت و در آنجا او و پدران ما وفات
- ۱۶ نمودند و آنها را بسوخیم برده در مقبره که ابراهیم از بنی عمور پدر سوخیم بر خریده بود گذاشتند * و چون هنگام وعده که خدا بسو کند

- با ابراهیم واده بود نزدیک میشد آن قوم در مصر زیاده شده می
 ۱۸ افزوزند * تا وقتیکه پادشاهی دیگر بعرضه آمد که یوسف را نشناخت
 ۱۹ * و آنکس با قوم ما غدر نموده با پدران ما بد سلوکی نمود. بحدیکه
 ۲۰ اطفال ذکور خود را بیرون میموند که زنده نمانند * و در همان ایام
 موسی تولد یافت و بغایت وجه بود و سه ماه در خانه پدر خود پرورش
 ۲۱ یافت * و چون بیرون افکنده شد دختر فرعون او را برواشته
 ۲۲ بفرزندمی پرورش مینمود * و موسی در مجموع حکمت مصریان
 ۲۳ تربیت یافته در فعل و قول قادر گردید * و چونکه سال چهارم
 بانجام رسید. خاطرش رسید که برادران خود بنی اسرائیل را
 ۲۴ دریابد * چون دید شخصی را که باو تعدی مینماید بر حمایتش
 ۲۵ مصر را زده انتقام آن بیچاره را ازو کشید * و کمان می برد که
 برادران او یافته اند که خدا نجات ایشانرا بدست او مینماید لیکن
 ۲۶ آنها نهمیده بودند * و روزی دیگر وقتی که نزاع مینمودند نزد آنها
 آمده ایشان را بصلح دعوت مینمود و میگفت ای مردان شما
 ۲۷ برادران میباشید چرا بر یکدیگر ظلم مینمائید * آنکس که بر همسایه
 خود تعدی می نمود او را دور کرده گفت که چه کس تو را بر ما حاکم
 ۲۸ و قاضی قرار داد * آیا میخواهی که مرا نیز بقتل آوری چنانچه ویروز
 ۲۹ مصری را بقتل رسانیدی * و از استماع این سخن موسی فرار
 نموده در زمین مدیان آواره شد و در آنجا دو پسر از وی بوجود آمدند
 ۳۰ * و چون چهل سال گذشت در بیابان کوه سینا فرشته خداوند
 ۳۱ بشعله آتش در بوته بر او نمودار گشت * و موسی از رویت آن
 حیران شده چون نزدیک شد که در وی نظر کند کلام خداوند بوی

- ۳۲ نازل شد * که من خدای پدرانت هستم خدای ابراهیم
 و اسحاق و یعقوب و موسی مرتعش شده جرأت نظاره کردن
 ۳۳ نداشت * و خداوند ویرا فرمود که بکشانند نعلینت را از پایهای
 ۳۴ خود زیرا که این مقامی که ایستاده زمین مقدس است * البته
 دیده ام بد سلوکی را با قوم من در مصر و فغان آنها را شنیده ام
 و جهت رانیدن آنها فرود آمده ام و الحال بیا که تورا بمصر خواهم
 ۳۵ فرستاد * و آن موسی را که دور کروزند که کیست که تورا حاکمی
 و قاضی قرار داد همانکس را خدا بدست فرشته که بر او در بوته ظاهر
 ۳۶ کردید بمنصب حکومت و رانیدن فرستاد * آنکس آنها را بیرون
 آورده و امور عجیب و غریب را در زمین مصر دور دریایی سرخ
 ۳۷ دور و شت مدت چهل سال بعمل آورد * و این همان موسی
 است که بنی اسرائیل را گفت که خدای شما خداوند پیغمبری را
 از میان برادران شما مانند من مبعوث خواهد نمود آنچه کوید
 ۳۸ بشنوید * همین است آنکس که بود در و شت در کلیسیا با
 فرشته که در کوه سینا با او تکلم فرمود و بود با پدران ما و یافت
 ۳۹ کلام زنده گانی را که ما رساند * و پدران ما خواستند که او را اطاعت
 نمایند بلکه دور کروزند او را و بود و لهامی ایشان بسوی مصر
 ۴۰ * و ارون را گفتند که بساز جهت ما خدایانی که پیش ما روان
 کروزند زیرا که این موسی که ما را از زمین مصر بیرون آورد نمیدانیم
 ۴۱ که او را چه پیش آمد * و ساختند در آن ایام کوساله را جهت
 خود و قربانی جهت آن بت نمودند و بصنعتهای و ستمهای خود
 ۴۲ خوشوقت می بوزند * پس خدا از ایشان اعراض نمود

وواکذاشت تا فوج آسمانی را پرستش نمودند چنانچه در صحف
 انبیا نگارش یافته است که آیا آن مدت چهل سال که در
 وشت بودید قربانی وهدیه برای من آوردید ای قوم اسرائیل
 ۴۳ * بلکه نقل می کردید خیمهٔ ملک را وستاره رمضان خدائی خوروا
 یعنی این منقش‌های را که آنها را برای سجده نمودن خود ساختید
 بر داشتید پس من شمارا بان طرف بابل خواهم کوچانید
 ۴۴ * و خیمهٔ شهادت در وشت در میان پدران ما بود چنانچه تکلم
 ۴۵ کنان بموسی فرمود که موافق نمونه که دیدهٔ بساز * و آنرا پدران ما
 باتفاق یوشع از وی یافتند و ملک قبایل آوردند که خدا آنها را
 ۴۶ از پیش پدران ما میراند تا هنگام واور * که او از خدا توفیق یافته
 ۴۷ سؤال نمود که محلی برای خدای یعقوب * بسازد و اما سلیمان
 ۴۸ بجهت او خانهٔ ساخت * لیکن نیست چنین که در مسجدائی که
 ۴۹ بدستها ساخته میشود ساکن باشد چنانچه پیغمبر میگوید * که مرا
 آسمان تخت است وزمین لگدکوب پایهای منست کدام
 مکان را بجهت من خواهند ساخت خداوند میفرماید کجا محل آرام
 ۵۰ منست * آیا که وست من نساخته است همهٔ این چیزها را
 ۵۱ * امی کردن کشان که در دل وکوش نامختونید شما همیشه
 معارضه باروح القدس میناسید آنچهانکه پدران شما می کردند
 ۵۲ میکنید * و کدامست از پیغمبران که پدران شما زحمتش ندادند
 وکشتند آن اشخاصی را که از پیش خبر میدادند از آمدن آن
 ۵۳ عادل که شما بالفعل با او خیانت ورزیده مقتول نمودید * شما
 ۵۴ آئین را بتوسط فرشتگان یافته اید و نگاه نه داشته اید * پس بمجرو

- استماع این سخنان در دل‌های آنها ییچیده زندان بامی خور را بهم
 ۵۵ میفشروند * و او پر از روح القدس در آسمان نگر بیست و جلال
 خدا را مشاهده نمود و عیسی را در دست راست خدا ایستاده
 ۵۶ یافت * گفت این است که می بینم آسمانرا که کشاوه است
 ۵۷ و فرزند انسانرا که بدست راست خدا ایستاده است * پس آنها
 باواز بلند بر او بانگ زده و کوشه‌های خور را گرفته همه با اتفاق بر
 ۵۸ او حمله نمودند * و او را از شهر بیرون کشیده سنگسار نمودند
 و شاهدان رخته‌های خور را نرو جوانی که سولس نام داشت
 ۵۹ گذاشتند * و چون استغفار سنگسار میکردند دعا نموده می گفت
 ۶۰ که عیسی خداوند روح مرا به پذیر * و زانو زده باواز بلند فریاد کرد که
 خداوند این کناره را بر ایشان مکیر و این را گفته خوابید

باب هشتم

- ۱ و سولس در قتل بانها متفق میبود و در آنروز شکستی فاحش
 بر کلیسیای اورشلیم واقع شد و همه جز حواریان بمرز و بوم یهودیه
 ۲ و سمیری متفرق شدند * و پارسائی چند استغفار را برواشته گریه
 ۳ و نوحه بسیار بر او نمودند * و سولس کلیسیارا بسیار عذاب میداد که
 خانه بخانه می کشت و مردان و زنانرا بیرون کشیده زندان می
 ۴ سپرد * و آنها متفرق شده بهرجا میرفتند و مزوره کلام را میدادند
 ۵ * و فیلیپوس بشهر سمیری در آمده پیش آنها ندا بمسیح مینمود
 ۶ * و مردم بگفته‌های فیلیپوس بیکدل گرویدند چون محیراتی که مینمود
 ۷ می شنیدند و میدیدند * که از بسیاری که روحهای پلید داشتند
 فریاد کنان بیرون می آمدند و مغلوب و شله‌های بسیار شفا می

- ۹ یافتند * پس در آن شهر فرحی عظیم پزند شد * و بود مردم شمعون نام که پیش در آن شهر جادوگری مینمود و مردم ستمیرا
- ۱۰ حیران مینمود و خود را شخصی میخواند * و آن شخص از کوچک تا بزرگ می گرویدند و میگفتند که این قوت بزرگ خداست
- ۱۱ * و ازین جهت باو میگرویدند که از مدت های مدید از جادوگرهای
- ۱۲ او حیران بوزند * و چون مژده فیلبوس را که در شان ملکوت خدا
- و اسم عیسی مسیح میداده قبول کردند مرد و زن غسل تعمید می
- ۱۳ یافتند * شمعون نیز گرویده غسل تعمید یافت و از فیلبوس جدائی
- نمی نمود و از دیدن معجزات و علامات بزرگ که از او سر میزد
- ۱۴ متحیر می بود * و چون حواریان را که در اورشلیم میبوزند معلوم
- شد که ستمیرا کلام خدا را قبول کرده است بطرس و یوحنا را بنزد
- ۱۵ ایشان روان نمودند * و ایشان آمده بجهت آنها و عا نمودند که
- ۱۶ روح القدس را بیابند * که هنوز بر هیچیک از آنها نازل نشده
- ۱۷ بود و با اسم خداوند عیسی تعمید یافته بوزند و بس * پس آنها
- و ستمیرا بر ایشان گذاشتند و ایشان روح القدس را یافتند
- ۱۸ * و چون شمعون ملاحظه نمود که بنهادن دستهای حواریان روح
- ۱۹ القدس داده میشود زر بنزد آنها آورده * گفت مرا نیز این قدرت
- دهید که هر کس را که دست بر او گذارم روح القدس را بیابد
- ۲۰ * بطرس ویرا گفت که زرت در هلاکت باد بانو چون پنداشتی
- ۲۱ که انعام خدا را بزرگ حاصل می توان کرد * تو را از این امر نه رسد
- ۲۲ و نه قسمت است زیرا که ولت با خدا راست نیست * پس از
- این شرارت خود توبه نما و از خدا درخواه تا بلکه این تصور دل تو

- ۲۳ آمرزیده شوو * زانرو که می بینم تو را که در صفرا می تلخ و بنده نامی
- ۲۷ شرارت گرفتاری * شمعون جواب داد که شما بجهت من از
- ۲۵ خداوند بخواهید تا چیزی از آنچه گفتید بر من واقع نشوو * و آنها
- ارشاد نموده و بطلام خداوند تکلم نموده باورشلیم بر گشتند و به بسیاری
- ۲۶ از قرا سمریان مژده دادند * و فرشته خداوند فیلیپوس را گفت که
- برخیز بسوی جنوب و براهی که از اورشلیم بسمت غازائی که آن
- ۲۷ ویران است روان شو * پس برخاسته روان شد ناگاه مرد حبشی
- که خواجه و یکی از ندمای قنذاقی ملکه حبشه می بود و بر همه خزانه
- ۲۸ اش ناظر می بود و باورشلیم بجهت عبادت آمده بود * مراجعت
- می نمود و بر تخت روان خود نشسته کتاب اشعیه پیغمبر را میخواند
- ۲۹ * روح فیلیپوس را گفت نزدیک رو و بر تخت روان ملصق شو
- ۳۰ * پس فیلیپوس پیش دویده شنید که کتاب اشعیه پیغمبر را
- ۳۱ میخواند و بر او گفت آیا از آنچه میخوانی مطلع هستی * گفت چگونه
- دانم مگر کسی مرا راه نماید پس از فیلیپوس سؤال نمود که بالا آمده
- ۳۲ با او بنشینند * و فقره که از کتاب میخواند این بود که او چون
- کوسفند بزبح آورده میشود چنانکه بره در نرو چیننده پشم خود بی
- ۳۳ صداست بهمان قسم او نیز روان خود را نمی کشاید * و در فرو
- تنیش انصاف از او منقطع شد و طبقه اش را که تقریر تواند کرد که
- ۳۴ زنده کیش هم از زمین مرتفع میشود * خواجه فیلیپوس را گفت
- که سؤال میکنم که این را پیغمبر در باره کدام میگوید در باره
- ۳۵ خود یا در شان کس دیگر * فیلیپوس زبان را کشاده و از همانجایی
- ۳۶ کتاب آغاز کرده مژده عیسی را بوی رسانید * و در عرض راه بآبی

رسیند خواجه گفت اینک آب از تعمید یافتم چه چیز مانعست
 ۳۷ * فیلیپوس گفت اگر تو بدل و جان ایمان آوری جایز است
 جواب داد که قبول می کنم که عیسای مسیح پسر خداست
 ۳۸ * پس حکم نمود که تخت روان بایستد و خواجه و فیلیپوس هر دو در
 ۳۹ آب رفته آورا تعمید داد * و چون از آب بر آمدند فیلیپوس را
 روح خداوند گرفته خواجه آورا و بیکر نیافت و راه خود را بخوشوقتی
 ۴۰ پیش گرفت * و فیلیپوس در ازوتس پیدا شده و در همگی شهرها
 تا بقیصریه عبور میزد

باب نهم

۱ و سولس در تهدید و قتل شاکردان خداوند هنوز دمان بوده نرو
 ۲ کاهن بزرگ آمد * و از او خواهش نمود کتابتی چند را بمجامع در
 و مشق که اگر بیاید در آن مذهب کسی را خواه مرد و خواه زن
 ۳ آورا بسته باورشلیم کشاند * و هنگامی که در راه می بود و بدمشق
 ۴ نزدیک بود نگاه نوری از آسمان باطراف او درخشید * و بر
 زمین افتاده آوازی شنید که ویرا گفت که ای سولس تو چرا
 ۵ عقوبت میدهی مرا * او گفت که تو کیستی خداوند خداوند گفت
 که من عیسی هستم آنکس که تو آورا عقوبت میدهی تورا
 ۶ مشکل است بر میخ لکه زدن * که او لرزان و حیران شده
 گفت خداوند چه میخواهی که من کنم خداوند ویرا فرمود که برخاسته
 بشهر داخل شو که تورا گفته خواهد شد که چه باید کردن
 ۷ * و همراهانش کنک ایستادند که می شنیند آن آواز را و هیچ
 ۸ کس را نمیدیند * و سولس از زمین بر خاسته چشمهای خود را

- کشاده هیچ کس را نمیدید پس او را دست گرفته بدمشق آوردند
- ۱۰ * و سه روز نابینا بود و نخورد و نپاشامید * و بود در دمشق شاگردی حنانیاس نام که خداوند در عالم رؤیا ویرا گفت حنانیاس گفت
- ۱۱ منم خداوندا * خداوند ویرا گفت بر خیز و بگو چه که آنرا راست میخواشد برو و در خانه بهودا سولس نام ترسی را بجو که بدعا
- ۱۲ مشغولست * و در عالم رویت حنانیاس نام مردی را دیده
- ۱۳ است که در آمده بر او دست نهاده تا روشن کرد * حنانیاس عرض کرد که خداوندا در باره این شخص از مردم بسیار شنده
- ۱۴ ام که بسیار مشقتها در اورشلیم بمقدسان تو داده است * و نیز در اینجا از قبل کاهنان بزرگ قدرت وارد که همه خوانندهگان
- ۱۵ باسم تورا بیند * خداوند ویرا گفت که برو که این ظرف مختار منست که اسم مرا نزد قبایل و سلاطین و بنی اسرائیل برو
- ۱۶ * و من ویرا نشان خواهم داد که چه مقدار زحمتها که ویرا باید کشیدن
- ۱۷ بجهت اسم من * حنانیاس روان شده و بان خانه رسیده دست بروی نهاد و گفت سولس برادر خداوند مرا فرستاد یعنی عیسی که
- بر تو در راه که می آمدی پدیدار گشت تا که تو روشن گردیده بروح
- ۱۸ القدس مملو گردی * که فی الفور از چشمهای او چون پوست
- ۱۹ چیزی افتاد و در ساعت بینا گردیده و برخاسته تعمیر یافت * و چیزی خورده توانا گردید و سولس نزد شاگردان و مشقی روزی چند
- ۲۰ توقف نمود * و بی تگافل در مجامع ندا کردن گرفت که مسیح پسر
- ۲۱ خداست * و همه نیوشندهگان حیران شده گفتندی که آیا نیست این آنکسی که خوانندهگان این اسم را در اورشلیم پریشان نموده

- و اینجا نیز بجهت این آمد که آنها را بسته نزد کاهن ترک کشاند
- ۲۲ * و سولس را قوت بیشتر شده پیرویان ساکن دمشق را مجاب ساخته زانرو که دلیلی می آورد که همین شخص مسیح است
- ۲۳ * و بعد از اتمام آیام پیرویان برگشتنش مشورت کردند * و سولس را از مشورت آنها معلوم شد که در دروازه ها شب و روز بجهت
- ۲۵ کشتنش پاسبانی میکردند * پس شاکردانش او را در شب در
- ۲۶ زنبیلی گذاشته از حصار شهر فروهشتند * و سولس باورشلیم رسیده اراده نمود که با شاکردان ملحق شود و همگی ازو ترسیدند زیرا که
- ۲۷ باور نکرزند که او یکی از شاکردانست * و برناباس او را برواشته بنزد حواریان برده بایشان حکایت نمود که چگونه او خداوند در راه ملاقات نمود و اینکه او بومی گفته بود و اینکه او چه سان در دمشق
- ۲۸ باسم عیسی فاش ندا میکرد * پس او در اورشلیم بانها ترو
- ۲۹ مینمود و باسم خداوند عیسی فاش دعوت می نمود * و با پیرویان یونانی نیز گفتگو و مباحثه می نمود و آنها سعی مینمودند که او را کشته
- ۳۰ باشند * پس برادران آگاه شده او را برزند بقیصریه و از آنجا بترمس روانه نمودند * اما کلیسیا در تمامی پیرویه و سمیری و جبلیل آرام داشتند و رفعت بهم میرسانیدند و در نرس خداوند و تسلی روح
- ۳۱ القدس رفتار کرده می افزودند * و اتفاق افتاد که پطرس از میان تمامی عبور نموده تا بمقدسین که در شهر لده ساکنند رسیده
- ۳۲ * و در آنجا اینیاس نام شخصی را یافت که مدت هشت سال بود که از مرض فالج بر تخت خوابیده بود * پطرس ویرا گفت که
- ای اینیاس عیسای مسیح تورا شفا داده برخیز و بجهت خود

۳۵ بکستران واو در ساعت برخاست * وهمکی ساکنان تده و سرفه
 ۳۶ این را دیده بسوی خداوند باز گشت نمودند * و در شهر یافه زنی از
 جمله شاگردان بود که نامش طیبه که ترجمه اش آهوست بود
 ۳۷ و بود مملو از اعمال شایسته و نذورات که می نمود * اتفاقا در آن
 ۳۸ ایام او بیمار شده مرد پس او را شسته در بالا خانه نهادند * و از آنجا
 که تده نزدیک بیافه بود چون شاگردان شنیدند که بطرس در
 آنجاست دو نفر را بنزوش روانه نمودند و استدعا نمودند که در آمدن
 ۳۹ تاخیر ننمایند * پس بطرس برخاسته با اتفاق آنها روان شد چون
 با آنجا رسید او را بالایا خانه برزند وهمکی بیوه کان بخدمت او ایستاده
 گریه کنان نشان میدادند لباس و جامه‌های را که آهو در ایام حیات
 ۴۰ مهیا می نمود * پس بطرس همرا بیرون فرستاده زانو زو و دعا
 نمود و بسوی نعش گردیده گفت طیبه برخیز او چشمان خود را
 ۴۱ کشاوه بطرس را ملاحظه نمود راست نشست * و او آنرا دست
 گرفته بر خیزانید وهمکی مقدسان و عجزان را خوانده او را زنده
 ۴۲ بایشان سپرد * و این واقعه در تمامی شهر یافه شهرت یافته
 ۴۳ بسیاری بر خداوند ایمان آوردند * و چنین شد که او چند روزی نزد
 شمعون نام و باغی در یافه توقف نمود

باب دهم

۱ و بود در قیصریه مردی کرنیلیوس نام یوزباشی از دسته که آنرا
 ۲ ایتلیانی میگویند * مرد متقی خدا ترس میبود او وهمکی اهل خانه
 اش تصدقات بسیار بقوم می نمود و علی الدوام بذكر خدا اشتغال
 ۳ می نمود * روزی قریب بساعت نهم می بود که در عالم رویا

- ۴ آشکارا دید که فرشته خدا بنزوش آمده ویرا گفت کرنیلیوس * او در وی نگرسته هراسان شده گفت خداوند چه چیز است ویرا گفت که دعای تو وندورات تو برای یار داشت نرو خدا صعور
- ۵ نموده است * حالا چند شخص را بیافه بفرست وشمعون را که
- ۶ پطرس ملقب است طلب نما * او نرو شخصی وباغی شمعون نام که خانه اش در کنار دریا واقعست مهبانست او تورا خواهد
- ۷ گفت که چه باید کردن * چون فرشته که با کرنیلیوس این گفتگورا نموده بود رفته او دو نفر از ملازمان خور و سپاهی متقی را
- ۸ از آنانی که همیشه با وی بوزند خوانده * وهمه مقدمات را بایشان
- ۹ بیان نمود و آنها را بسوی یافه روان نمود * روز دیگر در هنگامی که آنها در راه می بوزند وبشهر نزدیک شدند پطرس بجهت دعا
- ۱۰ نمودن بر بام رفت وقریب بساعت ششم میبود * که او کرسنه شده اراده نمود که چیزی تناول نماید هنگامی که آنرا مهبیا مینمودند
- ۱۱ ویرا بیهوشی دست داد * ودید که آسمان کشاده شد وظرفی چون چادر بزرگی که چهار گوشه اش را بسته باشند بسوی زمین
- ۱۲ آویخته بر او نازل شد * ومجموع بهایم زمین وحیوانات وحشرات
- ۱۳ ارض وپرندهکان آسمان در وی بوزند * وآوازی بوی آمده که اسی
- ۱۴ پطرس بر خیز فزح کن وبخور * پطرس گفت خداوند انخواهم
- ۱۵ کرد زیرا که من چیز حرام یا ناپاک را هرگز نخورده ام * بار دیگر باز آوازی رسید که آنچه را خدا پاک نموده است تو آنرا ناپاک
- ۱۶ مخوان * واین سه دفع مکرر شد وباز آنطرف بسوی آسمان
- ۱۷ بلند شد * وپطرس در شبهه میبود که آیا این واقع را که در

- رؤیا دیده بود چه باشد که ناکاه آنانی که کرنیلیوس ایشانرا فرستاده
- ۱۸ بود خانه شمعون را تفحص نموده بر در خانه ایستاده بودند * و احوال
میکرفتند و میپرسیدند که آیا شمعون که پطرس ملقب است
- ۱۹ در اینجا مهمان است * و پطرس هنوز متفکر در باره آن واقعه
بود که روح ویرا گفت که این است سه کس تورا جست جو
- ۲۰ مینمایند * بر خیز و پائین رو و با آنها روانه شو و شک را بخاطر راه
- ۲۱ ده که من آنها را فرستاده ام * پس پطرس بنزد آنانیکه از جانب
کرنیلیوس بوی آمده بودند آمده گفت اینک منم آنکس که شما
- ۲۲ اورا تفحص می نمائید سبب آمدن شما چه چیز است * گفتندش
که کرنیلیوس یوزباشی را که مرویست عادل و خداترس و نژد
همگی قوم یهود نیک نام است ویرا از فرشته مقدس حکم شده
- ۲۳ است که تورا بخانه خود طلب نموده کلام را از تو استماع نماید * پس
او آنها را باندرون خوانده مهمانی نمود و با مدادان پطرس با آنها
- ۲۴ روان شد و بعضی از برادران یافه نیز با آنها روان شدند * روز
دو یکر بقیصریه رسیدند و کرنیلیوس خویشان خویش و یاران صدیق
- ۲۵ خورا جمع نموده انتظار ایشانرا می کشید * چون پطرس رسید
کرنیلیوس اورا بر خور نمود بر پایهایش افتاده اورا سجده نمود
- ۲۶ * پطرسش بر خیزانیده گفت برخیز که من نیز چون تو انسانم
- ۲۷ * پس باو تکلم کنان باندرون در آمد و یافت جمع بسیاری را
- ۲۸ * پس با آنها گفت که شما میدانید که مرو یهودی را سزاوار نیست
که با بیگانگان معاشرت یا ملاقات نماید لیکن خدا مرا نموده است
- ۲۹ که هیچ کس را نجس و ناپاک نخوانم * و از آن است که من

- بمخبر و خواهش ممانعت نه نموده آدمم حال ستوأم می نمایم که مرا
 ۳۰ بچه سبب احضار نمودید * کرنیلیوس گفت که چهار روز است
 قبل ازین که تا این ساعت بود که روز را روزه بروم و در ساعت
 نهم روز بود که در خانه خود بدعا مشغول بودم که ناگاه مردی در
 ۳۱ لباس درخشان پیش من ایستاد * و گفت ای کرنیلیوس
 دعای تو با استجابت مقرون گردید و نیازهای تو نزد خدا مقبول
 ۳۲ گشت * پس بفرست بیافه و شمعون که پطرس ملقب
 است و در خانه شمعون و باغ نزدیک دریا مهران است طلب
 ۳۳ نما که او چون آید با تو سخن خواهد راند * پس بی تأمل بنزد تو
 فرستادم و تو نیز خوب کردی که آمدی و حال ما همگی در پیش
 ۳۴ خدا حاضر هستیم تا آنچه را که خدا بتو فرموده است بشنویم * پطرس
 زبان کشاده گفت که بدرستی دریافته ام که خدا را چشم بظاهر
 ۳۵ نیست * بلکه در هر قوم آنکس که از وی ترسد و عمل نیک
 ۳۶ کند ویرا پسند می آید * و کلامی را که بینی اسرائیل فرستاد از مژده
 صلح بوساطت عیساى مسیح که خداوند همه است شما میدانید
 ۳۷ * یعنی آن مقدمات را که از جلیل آغاز آن شده بعد از آن
 ۳۸ تعمید که یحیی بوی ندا نمود در تمام یهودیه بظهور آمد میدانید * که
 چگونه خدای عیساى ناصری را بروح القدس و قوت مسح نمود
 و چگونه سیر می نمود احسان کنان و همگی آنانی را که مقهور ابلیس
 ۳۹ بودند صحت می بخشید زیرا که خدا با وی بود * و ما شاهدان بر
 همه آنچه در مرز و بوم یهودیان و اورشلیم کردیم همان را بر دار
 ۴۰ آویخته قتل نمودند * و خدا او را در روز سیم برخیزانیده آشکارا

۴۱ شدن را باو عطا فرمود * لیکن نه بر همه خلق بلکه بر شاهمدان
 که پیش از خدا برگزیده شده بودند یعنی ماکه بعد از بر خاستنش
 ۴۲ از میان مردهگان با وی خوردیم و آشامیدیم * و ما را مقرر فرمود که
 نزد خلق نمانیم و شهادت دهیم که او از جانب خدا منصوب
 ۴۳ شد که حاکم زندهگان و مردهگان باشد * و همگی پیغمبران بر او
 شهادت دادند که هر کس که بروی ایمان آورد آمرزش گناهانش را
 ۴۴ با اسم وی خواهد یافت * و پطرس هنوز در این سخن می بود که
 ۴۵ روح القدس بر همگی مستمعان کلام افتاد * و ایمان دارانیکه از
 اهل ختنه با پطرس آمده بودند حیران گردیدند که بخشش روح
 ۴۶ القدس قبایل را نیز فرو گرفته است * زیرا که شنیدند از آنها
 که بزبانهای مختلف تکلم مینمودند و خدا را سپاس بجای می آوردند
 ۴۷ در آنوقت پطرس گفت * که آیا کسی تواند که منع از آب
 ۴۸ نماید که اینان که مثل ما روح مقدس را یافته اند تعمید یابند * پس
 حکم نمود که ایشان با اسم خداوند تعمید یابند پس از او در خواستند
 که چند روزی با ایشان باشد

باب یازدهم

۱ پس حواریان و برادران که در بهوویه میبودند شنیدند که قبایل نیز
 ۲ کلام را پذیرفته اند * چون پطرس باورشلیم رسید اهل ختنه با
 ۳ وی معارضه نمودند * گفتند که تو با جماعت نامختوان برآمدی و با
 ۴ آنها نان خوردی * پطرس شروع نمود بر حسب تربیت بیان
 ۵ فرموده گفت * من در شهر یافته در دعای تووم که در عالم رویت
 دیدم که قسم ظرفی چون چادر بزرگی که چهار گوشه اش از

- ۶ آسمان آویخته بود نازل شده تا آنکه بمن رسید * چون نگریدم
 و ملاحظه نمودم بهایم زمین و حیوانات و حشرات ارض و پرنده کان
 ۷ هوارا دیدم * و آوازی را شنیدم که گفت مرا ای پطرس برخیز زبح
 ۸ کن و بخور * من گفتم هرگز خداوند زانرو که هیچ چیز حرام یا
 ۹ ناپاک بدهنم داخل نشد * بار دیگر آوازی از آسمان آمد که
 ۱۰ آنچه را خدا پاک کرده است تو آنرا حرام مخوان * این مقدمه
 ۱۱ سه بار واقع شد و باز همه بسوی آسمان کشیده شد * که در هماندم
 سه نفر که از قیصریه که بنزد من فرستاده شده بودند بخانه که من
 ۱۲ در آن بودم وارد شدند * و روح مرا فرمود که بدون تشکیک بهمراه
 ایشان روانه شوم و این شش برادر نیز بامن روان شدند تا
 ۱۳ بخانه آن شخص داخل شدیم * و او مارا آگاهی بخشید که چه
 سان فرشته را در خانه خود دیده بود که ایستاده ویرا گفت که آدمی
 چندرا بیافه بفرست و شمعون را که بپطرس ملقب است طلب
 ۱۴ نما * و او سخنی چند بتو خواهد گفت که بسبب آنها تو و همه خاندان
 ۱۵ تو نجات خواهید یافت * و چون شروع بتکلم نمودم روح القدس
 ۱۶ بر آنها نازل شد چنانکه نخست بر ما * و مرا کلام خداوند بخاطر
 رسید که چه سان فرمود که بچی باب غسل داد و شما بروح القدس
 ۱۷ غسل خواهید یافت * پس چون خدا این موهبت را چنان
 داد بایشان که ما که بر عیسای مسیح خداوند ایمان آوردیم من که
 ۱۸ بودم که توانم خدا را منع نمودم * پس آنها این را شنیده مطمئن شدند
 و خدا را سپاس نموده گفتند که بیشک که خدا بقبایل نیز توبه
 ۱۹ حیات بخش را کرامت کرده است * و آنانی که بعزت از پیشی که

در هنگامه استغنان برپا شد پریشان شدند تا بفینیقی و قبرس
 وانطاکیه عبور نمودند و به هیچکس جز یهودیان بآن کلام گفتگو نمی
 ۲۰ نمودند * و بعضی از آنها قبرسی و قیروانی بودند که بانطاکیه رسیده
 با یهودیان یونان گفتگو مینمودند و مزوره خداوند عیسی را میدادند
 ۲۱ * و دست خداوند با ایشان بوجه جمع بسیاری ایمان آوردند
 ۲۲ و بسوی خداوند برکشت نمودند * و این خبر بسمع کلیسیای
 اورشلیمی رسیده ایشان برناباس را مقرر کردند که تا بانطاکیه
 ۲۳ عبور نماید * و او چون رسید و توفیق خدا را مشاهده نمود خوشوقت
 شده همرا نصیحت کرد که به نیت دل با خداوند پایدار بمانند
 ۲۴ * زانرو که مرد نیک نهاد و پر از روح القدس و ایمان بود و چندی
 ۲۵ مردم نیز با ایمان بخداوند مزید شدند * و برناباس بترسس در
 ۲۶ جستجوی سولس رفته او را یافته بانطاکیه آورد * و ایشان مدت
 یکسال در کلیسیا با هم میبودند و خلق بسیاری را می آموختند
 ۲۷ و نخست شاکردان در انطاکیه مسیحی خوانده میشدند * و در آن
 ۲۸ ایام اخبار دهنده چند از اورشلیم بانطاکیه آمدند * و یکی از آنها که
 مستمی باکبس بود بر خاسته باعلام روح بیان نمود که قحط عظیمی
 بر همگی رومی زمین خواهد شد و آن در زمان قلوویس قیصر
 ۲۹ بوقوع پیوست * و شاکردان عزم بستند که هر یک بحسب
 ۳۰ مقدور خود هدیه بخدمت برادران ساکن یهودیه بفرستند * پس
 این چنین نموده بدست برناباس و سولس فرستادند بآن بزرگان

باب دوازدهم

۱ در این اوقات هیروویس سلطان دست تطاول کشوده تا

- ۲ بعضی از اهل کلیسیا را میازارو * و یعقوب برادر یوحنا را بشمشیر
- ۳ قتل نمود * و چون یافت که این حرکت به دورا پسند می افتد
- پس در آن مبالغه نمود و پطرس را نیز بچنگ آورد و آن ایام عید
- ۴ فطیر بود * پس او را مقید نمود و در حبس انداخته و چهارم بسته
- سپاهی را مقرر فرمود که او را پاسبانی نمایند و می خواست که بعد از
- ۵ فصیح او را از جهت خلق بیرون آورد * پطرس را در زندان نگاه
- ۶ داشتند و در کلیسیا بجهت او نرو خدا وایم دعای نمودند * و در شبی
- که هیروویس قصد بیرون آوردنش داشت پطرس در میان دو
- سپاهی خفته بود و بدو زنجیر بسته شده بود و کشیکچیان در بیرون
- ۷ دروازه زندان بحفاظت مشغول بودند * که ناگاه فرشته خداوند
- نازل شده که نوری در عمارت درخشید و به پهلوی پطرس زده
- او را بیدار نمود و گفت زود برخیز و زنجیرها از دستهای او فرو ریخت
- ۸ * و آن فرشته ویرا گفت که کمر بند و نعلین را بپوش چون پوشید
- ۹ باز گفت که جامه خورا نیز بپوش و بعقب من بیا * پس بیرون
- شتافت و بعقب وی روان شد و نمیدانست که آنچه با فرشته می نماید
- ۱۰ واقعیت دارد زیرا که گمان داشت که در خواب می دید * پس
- ایشان از کشیک اول و دوم گذشته تا بدروازه آهنی که بطرف
- شهر است رسیدند و آن از پیش خوو در پیش آنها باز شده
- بیرون رفتند و بقدر یک کوچه راه رفتند که آن فرشته در ساعت
- ۱۱ از وی نهان گردید * پطرس با خوو آمده گفت حالا بتحقیق یافتیم
- که خداوند فرشته خورا فرستاد و مرا از دست هیروویس و همه
- ۱۲ منتظرین قوم به دور رانید * و چنان دید که بخانه مریم مادر یوحنائی

که ملقب بمقدس است درآید و در آنجا بعضی جمع آمده دعا کنان
 ۱۳ می بوزند * چون پطرس در را کوفت کنیزی که نام وی رزوا بود
 ۱۴ آمده که در خفا بشنود * چون آواز پطرس را شناخت بعلت
 خوشوقتی در را نکشاده بدرون شتافته اخبار نمود که پطرس است
 ۱۵ که بر در اینستاده است * ویرا گفتند که دیوانه پس او اصرار نموده
 ۱۶ که همین است گفتند شاید که فرشته او باشد * و پطرس مدتی
 در را میکوبید پس ایشان در را باز کرده اورا دیده متحیر شدند
 ۱۷ * و او بدست آنها را اشاره نمود که خاموش باشید و بیان فرمود که
 چگونه خداوند اورا از زندان نجات داد و گفت که یعقوب
 و برادران را ازین خبر آگاهی دهید و خود بیرون رفته بجای دیگر
 ۱۸ روان شد * و چون صبح کردید اضطراب کثیری در میان
 ۱۹ سپاهیان پدید آمد که آیا پطرس را چه شد * و هیروویس اورا
 تفحص نموده نیافت و کشیکچیان را معاقب نموده حکم بر قتل
 ایشان نمود اما او از پروری بقصریه آمده در آنجا اوقات را بسر می
 ۲۰ برد * و چون هیروویس بر اهل صور وصیدا خشمناک بود پس
 ایشان یک دل شده نزد وی حاضر شده بوزند و بلاستس را که
 بر خوابگاه ملک معین بود بر اصلاح امر ترغیب می نمودند زیرا که
 ۲۱ ملک ایشان از ملک او رونق می پذیرفت * و در روز معینی
 هیروویس لباس شانانه پوشیده و بر تخت سلطنت نشسته با
 ۲۲ ایشان تکلم می نمود * و خلق فریاد می نمودند که این آواز خدا
 ۲۳ است نه آواز انسان * و در ساعت فرشته خداوند اورا زد زیرا
 ۲۴ که خدا را تمجید نه نمود و شپش بدنش را خورده تا مرد * و کلام خدا

۱۵ ترقی نموده و زیاد شد * و بر ناباس و سولس خدمت هدا یارا تمام نموده از اورشلیم مراجعت نمودند و یوحنا را که ملقب بمرقس یهو بهمراه خود گرفتند

باب سیزدهم

- ۱ و بودند در کلیسیای انطاکیه اخبار دهنده و معلم چند چون بر ناباس و شمعون که به نیکر مستمی بود و لوقیوس قیروانی و مانین برادر
- ۲ رضاعی هیروویس رئیس ربع و سولس * و اوراوانی که ایشان خداوند را خدمت می نمودند و روزه می گرفتند روح القدس فرمود که جدا سازید بر ناباس و سولس را بجهت من برای آن کاری که
- ۳ ایشان را برای آن خوانده ام * پس ایشان روزه گرفته و دعا
- ۴ نموده و دستها را بر آنها نهاده آنها مرخص ساختند * پس چون فرستاد ایشان را روح القدس بسلوقیه رفتند و از آنجا تا بقرس
- ۵ جزیره بر دریا رفتند * و سلیمین رسیده در مجامع یهو بکلام خدا
- ۶ میگردند و خادم می بود ایشان را یوحنا * و در آن جزیره تا بپفس رفتند یهو را دیدند ساحر و پیغمبری دروغ گو می بود و اسم او بر
- ۷ یسوع بود * با وزیر سرکیوس پولس که مردی صاحب فهم بود می بود همان شخص بر ناباس و سولس را طلب نموده خواست که
- ۸ کلام خدا را استماع نماید * و ایشان را مخالفت نمود الیماس آن ساحر که همین است ترجمه اسم آن و خواست که وزیر را از
- ۹ ایمان منحرف گرداند * و سولس همان پولس که از روح القدس
- ۱۰ مملو بود در او نگر بسته * گفت ای که پری تو از همه غشها و هر نوع مکر می ای فرزند شیطان و دشمن هر نوع راستی آیا باز خواهی

- ۱۱ ایستاد از منحرف کردن راه راست خداوند * الحال ببین که
 دست خداوند بر تست و تو کور خواهی شد و تا مدتی آفتاب را
 نخواهی دید و در ساعت ظلمت و تاریکی بروی افتاده و در میز
 ۱۲ و دستگیری را می جست * چون وزیر این مقدمه را ملاحظه نموده
 ۱۳ از تعلیم خداوند متحیر شده ایمان آورد * و پولس و مصاحبانش
 از پافس روان شده تا بیرکه پمفولیه آمدند و یوحنا از آنها جدا
 ۱۴ شده بسوی اورشلیم مراجعت نمود * و آنها از پرکه عبور نموده
 بانظاکتیه پسیده رسیدند و در روز سبت بمجمع درآمده بنشستند
 ۱۵ * و بعد از تلاوت تورات و کتب انبیا رؤسای مجمع نزد ایشان
 فرستاده گفتند ای برادران اگر سخن نصیحتی برای مردم دارید
 ۱۶ بیان کنید * پولس برخاسته و بدست خود اشاره نموده گفت
 ۱۷ ای مردان اسرائیلی و مردودن خدا ترس بشنوید * خدای این قوم
 اسرائیل پدران ما را برگزید و این قوم را در غربت در زمین
 ۱۸ مصر بلند کرد و بدستهای بلند آنها را از آنجا بیرون آورد * و قریب
 ۱۹ بمدت چهل سال آنها را در دشت برداشت نمود * و هفت
 طایفه را در زمین کنعان تباہ نموده زمین آنها بایشان قسمت
 ۲۰ نمود * و بعد ازین داد ایشان را حکام در مدت چهار صد و پنجاه
 ۲۱ سال تا زمان سموئیل پیغمبر * در آن ایام خواستند پادشاهی را
 پس خدا ساؤل ابن قیس از طایفه بن یمین را بایشان داد که
 ۲۲ چهل سال پادشاهی نمود * پس او را از ایشان گرفته و او را بر
 ایشان پادشاه نمود و برای او این شهادت را داد که یافته ام این
 یسار را مردی موافق طبعم که جمیع خواهشهای مرا بجا خواهد آورد

۲۳ * واز نسل همین شخص خدا بر حسب وعده بجهت اسرائیل
 ۲۴ نجات دهنده را مبعوث نموده است یعنی عیسی * بعد از آنکه
 یحیی پیش از آمدنش همگی قوم اسرائیل را ندامت غسل توبه داده
 ۲۵ بود * و چون یحیی دور خود را با انجام رسانید گفت که شما در باره
 من چه مطنه می نمائید من آن نیستم بلکه این است کسی که بعد
 از من می آید که من لائق آن نیستم که تعلینش را از پاهایش
 ۲۶ کشایم * اسی برادران و اسی ابنای دو زبان ابراهیم و اشخاصی که
 در میان شما خدا ترسید کلام این نجات بشما فرستاده شده است
 ۲۷ * زیرا که ساکنان اورشلیم و بررکان شان از آنجا که نشناختند
 او را و اقوال پیغمبرانی را که هر سبت می خوانند حکم بقتلش
 ۲۸ نموده تمامی را کامل کردند * و با وجودی که هیچ سبب قتل در
 ۲۹ وی نیافتند از پیلاتس خواستند که او را بکشد * و چون تمامی آن
 چیزائی را که در باره او نوشته شده بود کامل کردند او را از دار بریز
 ۳۰ آورده در قبر گذاشتند * پس خدا او را از میان مردهگان بر
 ۳۱ خیزانید * و او در اکثری از روزها بر آنانیکه از جلیل تا باورشلیم
 همراهم او بودند ظاهر گشت و ایشان شاهدان او در پیش
 ۳۲ مردم می باشند * و ما این مرده را بشما میدهیم که آن وعده را که
 بپدران ما کرده شده بود آنرا خدا برای ما که فرزندان آنها هستیم
 ۳۳ کامل نموده است که عیسی را بر خیزانیده است * چنانچه در
 مزمور دوم مرقوم است که تو فرزند منی و من امروز تو را تولید
 ۳۴ نمودم * و فرموده است در بیان آنکه او را از مردهگان بر خیزانید
 تا آنکه بعد از آن بسوی فضا و رونه نماید که من بشما خواهم داد

- ۳۵ حقوق ثابتۀ داودرا * و باین مضمون در مقامی دیگر میگوید که تو
- ۳۶ بر کزیده خور را خواهی گذاشت که فساد را به بیند * زیرا که داود در طبقۀ خود مشیت خدا را اطاعت فرمود و مرد و به پدران خود ملحق شد
- ۳۷ و دید فساد را * و اما آنکس را که خدا بر خیزانید فساد را ندید
- ۳۸ * پس ای برادران معلوم باد شمارا که بوساطت این کس بشما
- ۳۹ بامرزش کنان خبر داده می شود * و هر چیز را که در شریعت موسی شما از آن نتوانستید عادل شمرده شد بوساطت این
- ۴۰ شخص هر کس که ایمان آورد عادل شمرده خواهد گردید * پس احتیاط کنید که مباد آنچه در کتب پیغمبران مرقوم است بر شما
- ۴۱ واقع شود * که ملاحظه نمائید ای تحقیر کننده گان و تعجب نمائید و نابود شوید زیرا که من در آیام شما کاری میکنم که شما باورته نمائید
- ۴۲ هر گاه آنرا کسی از برای شما روایت نماید * چون بهر دوین از مجمع بیرون رفتند قبایل از ایشان سؤال نمودند که این کلام
- ۴۳ در سبت دیگر نیز بآنها گفته شود * و چون از مجمع برگزاستند بسیاری از بهر دوین و بهر دوین جدید بعقب پولس و بر ناباس رفتند و آنها با ایشان تکلم نموده آنها را پند میدادند که در توفیق خدا ثابت
- ۴۴ قدم باشند * و در سبت دیگر قریب تمام شهر جمع آمدند که کلام
- ۴۵ خدا را استماع نمایند * چون بهر دوین طوایف را ملاحظه نمودند بر از حسد گردیده اقوال پولس را مخالفت کردند و بمخالفت
- ۴۶ نامنوا میگفتند * و پولس و بر ناباس باجرات گفتند که واجب بود که کلام خدا نخستین بشما القا شود لیکن چون شما آنرا دور
- میکنید و حکم می نمائید بر خود که شمایسته حیات ابدی نیستید

۲۷ الحال بسوی قبائل میکردیم * زیرا که خداوند بهمین طور ما را فرمود که من تورا مقرر کردم که نور قبائل شوی و تا باقصای
 ۲۸ زمین سبب نجات کروی * و قبائل از شنیدن این سخنان مسرور شده کلام خدا را تحسین کردند و چندی که مستعد حیات
 ۲۹ جاوید شده بودند ایمان آوردند * و در تمامی آن مملکت کلام خداوند
 ۵۰ جاری شد * و یهودیان زنان خدا پرست متشخص و بزرگان شهر را
 ۵۱ ترغیب نموده ایشان را بمعارضه با پولس و برناباس برانگیختند
 و آنها را از سرحدات خویر بیرون رانند * پس ایشان خاک
 پایها را خورند بر ایشان نگانیده بایقونیون در آمدند * و شاکردان
 پر از سرور روح القدس بودند

باب چهاردهم

۱ و در ایقونیون چنین اتفاق افتاد که آنها بمجمع یهودیان باتفاق در
 آمده بنوعی تکلم نمودند که جمع کثیری از یهودیان و یونانیان ایمان
 ۲ آوردند * اما یهودیانی که ایمان نمی پذیرفته اند دل‌های قبائل را
 ۳ اغوا نموده برانگیختند که بدی نمایند با برادران * پس مدت مدیدی
 بدینمنوال در آنجا ماندند و بی پروا در حق خداوند تکلم مینمودند و او
 بجهت فضل کلام خویر شهادت میداد و بخشید ایشانرا اینکه
 ۴ امور عجیبه و غریبه از دست ایشان بظهور رسد * و مردم شهر دو
 ۵ فرقه شده بعضی با یهودیان بودند و بعضی با حواریان * و چون
 قبائل و یهودیان با بزرگان ایشان هنگامه برپا نمودند که ایشانرا
 ۶ خفیف نموده سنکسار نمایند * آنها از این مقدمه آگاه گشته بسوی
 شهرهای مرزوبوم لکانیه بشهر لسطره و شهر دریا و اطراف آنها فرار

۸. نموزند * و در آنجا پیوسته آن خبر خوش را رسانیند * و بود در
- لستره مردی که پایهای او ضعیف بود و وایم نشسته و از شکم
۹. مادرش شل آمده که گاهی راه نرفته بود * اینکس کلام پولس را
- خود شنیده و او در او نگرینست در یافت که دروست ایمان که
۱۰. رستگار شوو * پس باواز بلند گفت که بر پایهای خود راست بر
۱۱. خیز پس او از جا جسته روان شد * چون طوایف آنچه پولس نمود
- ملاحظه نمودند باواز بلند در لغت لگاونی گفتند که خدایان صورت
۱۲. انسان گرفته بنزد ما پائین آمدند * و بزنا باس را بمشتری مستمی
۱۳. نمودند و پولس را ببطارو زیرا که او در کلام مقدم بود * و چون
- مشتری پیشوای شهر آنها بود کاهنش کاوانی نر و سربندار را
۱۴. بدروازه آورده با طوایف خواستند که فوج نمایند * چون بزنا باس
- و پولس آن دو رسول این را شنیده رختهای خود را دریده در
۱۵. میان آنها افتاده فریاد می نمودند * که ای مردان شما چرا چنین
- می کنید ما هم چون شما انسان هستیم و حس داریم و نصیحت
- مینمائیم شما را که از این راه باطل بر گردید بسوی خدای زنده که
۱۶. آسمان زمین و دریا و هر آنچه در آنهاست آفرید * و او در طبقات
- سلف و گذاشت همگی قبائل را که در طرق خویشان رفتار
۱۷. نمایند * و با وجود این خود را نگذاشت بی شهادت زیرا که احسان
- مینمود که از آسمان باران بجهت ما میفرستاد و فصول میوه
۱۸. آور میداد و درلهای ما را از غذا و خوشنودی مملو می نمود * و باین
- مکالمات طوایف را از فوج کردن نرد آنها بترحمست بسیار منع
۱۹. مینمودند * و بهودی چند از انطاکیه و ایقونیون آمده طوایف را بر

- انگیزند که پولس را سنکسار نموده از شهرش بیرون کشیند
 ۲۰. بحیثیتی که مظنه میداشتند که مرده است * و چون شاکردان
 بدور او جمع شدند برخاسته بشهر درآمد و با مدادان با برناباس بشهر
 ۲۱ در باروان شد * و در آن شهر مرده میزدند و شاکردان چند حاصل
 ۲۲ نموده بلسطره و ایفونیون و انطاکیه مراجعت نمودند * و درلهای
 شاکردان را استورا می نمودند و پند میزدند که در ایمان مقاومت
 نمایند و اینکه از مصایب بی شمار سزاوار است که بملکوت خدا
 ۲۳ داخل شویم * و چون کشیشان را بجهت آنها در هر کلیسیا مقرر
 کرده بودند و دعا و روزه نموده آنها را بخداوندی که بر او ایمان آورده
 ۲۵ بودند سپردند * و از پسندیه گذشته بیامفولیه آمدند * و در پرکه کلام را
 ۲۴ گفتند و بانلیه آمدند * و از آنجا بر دریا بانطاکیه رفتند و آنجائی است
 ۲۷ که برای آن کار که کامل کردند بتوفیق خدا سپرده شدند * چون
 داخل شدند اهل کلیسیا را طلب نموده آنچه خدا با ایشان نموده
 ۲۸ بود خبر دادند و اینکه فتح باب ایمان را بجهت قبائل نمود * و در
 آنجا مدت مدیدی با شاکردان بسر بردند

باب پانزدهم

- ۱ تنی چند از یهودیه آمده برادران را تعلیم میزدند که هرگاه شما
 بر حسب آئین موسی ختنه نه نمایند ممکن نیست که نجات یابید
 ۲ * پس چون نزاع و مباحثه بسیاری میان پولس و برناباس با آنها واقع
 شد قرار دادند که پولس و برناباس و تنی چند از آنها برای تحقیق
 این مسئله نزد حواریان و کشیشان که در اورشلیم بودند بروند
 ۳ * پس کلیسیا ایشان را بدرقه نموده از قینیقی و سمیری گذشتند و بر

- کشتن قبائل را تبیین می نمودند و سرور وافر میادند بهمگی
- ۴ برادران * و چون باورشلیم رسیدند پذیرفتند ایشان را کلیسیا
و حواریان و کشیشان و آنها باچه خداوند بآنها گروه یور خبر دادند
- ۵ * پس تنی چند از طایفه فریسیان که ایمان آورده بودند برخاسته
گفتند که آنها را باید ختنه نمود و حکماً باید که شریعت موسی را نگاه
دارند * پس حواریان و کشیشان جمع آمدند که در این خصوص
- ۷ فکری نمایند * چون مباحثه بسیار واقع شد بطرس برخاسته گفت
ای برادران شما میدانید که از اوان قبل خدا از میانه ما مرا بر
گزید که قبائل از زبان من کلام مژده را بشنوند و ایمان بیاورند
- ۸ * و خدای عارف القلوب آنها را بر زبان داده است زانرو که روح
۹ القدس را بآنها داده است چنانچه با * و در میان ما و آنها مطلقاً
تفاوت نگذاشته است زانرو که دل‌های آنها را با ایمان مصفی
۱۰ نموده است * پس حال چرا خدا را تجربه می نمائید که طوقی بر
کردن شما گردان گذارد که نه پدران ما و نه ما متحمل توانستیم شد
- ۱۱ * و حال آنکه اعتقاد داریم که بمحض فضل خداوند عیسی مسیح
۱۲ نجات خواهیم یافت چنانچه ایشان نیز * و همگی گروه خاموش
بودند و می شنیدند از پولس و برناباس که بیان میکردند از عجایب
و غرایبی که خدا در میان قبائل بوساطت آنها بظهور رسانیده
- ۱۳ بود * چون ایشان خاموش شدند یعقوب آغاز سخن نمود که ای
۱۴ برادران بشنوید از من * که شمعون بیان نمود که خدا نخست چه
سان نوح فرموده است که بگیرد از قبائل قومی را منسوب
۱۵ با سمش * و متفق است بر این کلام بیغمبران چنانچه نگارش

- ۱۴ یافته است * که بعد ازین بر خواهم کردید و مسکن منهدم و او را خواهم ساخت و مکانهای ویران آن را بنا خواهم کرد و او را
- ۱۷ درست خواهم نمود * تا که ما بقی مردم و همه قبائل که اسم من بر آنها خوانده شده است بجویند خداوند را و این است فرمان
- ۱۸ خداوند که تمامی آن چیزها را بجا می آورد * و از آیام قدیم معروف
- ۱۹ است خدا را مجموع افعالش * پس رای من این است که آنکسانی را که از میان قبائل بخداوند بر کرده اند زحمت
- ۲۰ ندهیم * مگر آنکه بگوئیم آنها را که از آلوده کسی بتها وزنا و خفه شده
- ۲۱ و خون پیرهیزند * زیرا که موسی از طبقات سلف در هر شهر اشخاصی را دارد که ندا باو میکنند زیرا که هر سبت می خوانند
- ۲۲ او را در مجامع * آنگاه حواریان و کشیشان و مجموع کلیسیا را پسند
- افتاد که چند نفر را از خود برگزیده با پولس و برنا باس بانطاکیه روانه
- نمایند یعنی بهووا که بر سباس ملقب بود و سیلاس را که در میان
- ۲۳ برادران مردان مکرم بودند * و نوشتند چیزی باین معنی بدست
- ایشان که از حواریان و کشیشان و برادران برادران را که در
- ۲۴ انطاکیه و شام و قلیقیه از قبائل هستند سلام باو * و چون شنیدیم
- که بعضی از قبل ما آمده و بسنخان چند شمارا مشوش و وللهای
- شمارا مضرب نموده اند بسبب تا کید ختنه و حفظ شریعت
- ۲۵ و حال آنکه ما نکفته ایم * لهذا ما را کلا پسند افتاد که چند مرورا اختیار
- ۲۶ نموده با محبوبهای خود برنا باس و پولس بر شما بکاریم * این
- کسانی هستند که جانهای خود را در راه اسم خدیو ما عیسی مسیح
- ۲۷ گذاشته اند * خلاصه بهووا و سیلاس را فرستاده ایم و ایشان نیز

- ۲۸ باین چیزها خود خبر خواهند داد* که روح القدس و ما را اختیار اقتاد
- ۲۹ که ویکر باری بر شما نذاریم مگر این ضروریات * پرهیز نمودن از قربانیهای بتها و خون و خفه شده و زنا چنانچه از اینها خود را
- ۳۰ محفوظ دارید به نیکوئی خواهید پرداخت والسلام * پس ایشان مرخص شده بانطاکتیه آمدند و همه را جمع نموده نامه را تسلیم نمودند
- ۳۱ * و ایشان مطالعه نموده ازین فرمایش مسرور شدند * و بهودا وسیلاس چون ایشان نیز اخبار دهندگان می بودند برادران را
- ۳۲ بسخنهای بسیار پند داده استوار نمودند * و مدتی در آنجا بسر برزند
- ۳۳ و از برادران مرخص شده بنزد حواریان مراجعت نمودند * وسیلاس خواهش نمود که در آنجا توقف نماید * و پولس و برناباس در انطاکتیه
- اوقات میکنند اینند و با بسیاری دیگر تعلیم میدادند و مژده کلام
- ۳۴ خداوند را میرسانیدند * و بعد از چندی پولس برناباس را گفت بر
- گرویم دور هر شهری که در آنجا بکلام خداوند خبر دادیم برادران
- ۳۵ خود بکنزیم و به بینیم که ایشامی چون می باشند * و برناباس چنان مصلحت دید که یوحنا را که مسمی بمرقس بود با خود همراه گیرد
- ۳۶ * و پولس را این اراده بود که شخصی که از پامفولیه از ایشان جدا شد و جهت آن کار بهمراهی آنها نیامد نباید با خود برواشت
- ۳۷ * پس در میان ناخوشی پیدا شده بنهجیکه از یکدیگر جدا گردیدند پس
- ۳۸ برناباس مرقس را برواشته بقیصرس روان گردید * و پولس سیلاس را اختیار نموده برادران او را بتوفیق خدا سپرده روان
- ۳۹ شد * و از میان شام و قلیقته کلیسیاها را استوارکنان عبور نمود

باب شانزدهم

- ۱ و تا شهر در با ولسطره رسیده در آنجہ تیموثیوس نام شاکردوی پسر
- ۲ زنی یہودی مؤمن کہ پدرش یونانی بود می بود * کہ نزد برادران
- ۳ لسطرانی و ایقونیانی نیک نام می بود * این کسی را پولس اختیار
- نمود کہ با او در راه باشد پس او را گرفته بعزت یہودیانی کہ در آن
- نواحی می بودند ختنه نمود زیرا کہ می شناختند ہمگی پدرش را کہ
- ۴ یونانی بود * و از شهری کہ عبور می نمودند آن احکامی را کہ حواریان
- و کشیشان اورشلیمی مقرر داشتند بایشان می سپروند کہ
- ۵ محافظت نمایند * پس کلیسیا در ایمان استوار میشدند و هر
- ۶ روز در تعداد ایشان می افزود * پس ایشان از فرکیه و مرز و بوم
- کلتیہ عبور نمودند و روح القدس آنها را منع کرد کہ در آسیہ اظهار
- ۷ کلام را نہ نمایند * پس بموسیہ رسیدند و سعی نمودند کہ بہ بطینیہ بروند
- ۸ لیکن روح آنها را مخص نفرمود * پس از وامنه موسیہ عبور نمود
- ۹ بہ ترواس آمدند * و در شب در عالم رویا پولس را آشکارا شد کہ
- مردمی مقدونی ایستاده و از او استدعاکنان میگفت کہ تا بمقدونیہ
- ۱۰ کذر کن و ما را مدد کن * چون این رویا را دید همان لحظه در
- تفحص بودیم کہ بمقدونیہ برویم زیرا کہ نتیجہ گرفتیم کہ خداوند ما را
- ۱۱ خوانده است کہ مژده را بانہما برسائیم * پس از ترواس بر داشته
- براه راست تا بسمتراکی رسیدیم و روز دیگر بناپلس در آمدیم
- ۱۲ * و از آنجا بفیلیپی کہ اول شهر از آن محال از مقدونیہ و مسکن
- ۱۳ مسافران است در آمدہ چند روزی در آنجا بسر بودیم * و در روز
- شنبه از شهر بیرون رفتہ بہ رب رودخانہ جائی کہ رسم نماز بود نشستیم

- ۱۲ و با آن زنانی که با هم جمع آمد بوزند نگلم می نمودیم * که زنی لودیه نام سرفاب فروش که از شهر شیاطیر و خدا پرست بود می شنید و خداوند قلب او را کشاوه تا کفتهای پولس را اعتنا نمود
- ۱۵ * و چون تعمید یافتند او و خاندان او نیز استعدا نمود و گفت که اگر شما را یقین است که من بخداوند ایمان آورده ام پس بخته
- ۱۶ من در آمده قرار بگیری پس باصرار بخانه اش برو * از اتفاقات در وقتی که نمازخانه میرفتیم کنیز کسی که روح خبر دهنده در او بود و از علم غیب بجهت مالکانش مبلغی نفع پیدا می نمود ما را دو چار شده
- ۱۷ * آن زن بعقب پولس و با افتاده فریاد می کرد و می گفت که این اشخاص بنده گان خدای تعالی هستند و ما براه نجات آگاهی می
- ۱۸ بخشند * و این عمل را روزهای بسیار می نمود پولس بهم بر آمده بر کشت و بروج گفت که من تورا میفرمایم باسم عیسی مسیح که از او
- ۱۹ بیرون آئی و او در همان وقت بیرون شد * چون مالکانش ملاحظه نمودند که امیدگاه نفع ایشان رفته است پولس و سیلاس را گرفته
- ۲۰ بی بازار بنزو حکام بروند * و آنها را بنزو سرداران برده گفتند که این
- ۲۱ کسان شهر ما را بسیار زحمت میدهند که بهودی هستند * و ما را برسومی تعلیم مینمایند که جایز نیست ما را پذیرفتن و بجا آوردن
- ۲۲ آنها از آن رو که رومی هستیم * و خلاق بر آنها جمع آمدند و سرداران
- ۲۳ رختهای ایشان را کنده بچوب زدند ایشان امر فرمودند * و چون چوب بسیاری بر آنها زدند آنها را بمحبس در آوردند و حارس را
- ۲۴ امر فرمودند که آنها را با احتیاط تمام محافظت نماید * آن شخص آن قدغن یافته ایشانرا بزندان اندرون رانده و پاپهای آنها را در کند

- ۲۵ مضبوط نمود * پولس وسیلاس در نصف شب وعادتسبیج خدارا
 ۲۶ می نمودند زندانیان آنها را کوش میدادند * که ناگاه زلزله عظیمی
 واقع شد بنهجی که اساس زندان جنبش در آمد وقامی دریا
 ۲۷ وقعت باز شده وقیدامی همگی فرو ریخت * زندانبان بیدار شده
 دید که دریای زندان باز شده است پس شمشیر را کشیده
 خواست که خورا بکشد زیرا که پنداشت که زندانیان فرار نموده
 ۲۹ اند * پولس باواز بلند بانگ زره گفت که * خورا ضرر مرسان
 که ماهمه در اینجا میباشیم پس روشنائی را طلب نموده باندرون
 ۳۰ بسته پیش پولس وسیلاس لزان بر زمین افتاد * و آنها را
 بیرون آورده گفت خداوندانا مرا چه باید کردن که رستگار شوم
 ۳۱ * گفتندش که بر عیسای مسیح خداوند ایمان بیاور تو وفاندانت
 ۳۲ رستگاری خواهی یافت * وکلام خداوندرا باو وهمگی کسانیکه در
 ۳۳ خانه او بودند تلقین نمودند * واو ایشانرا گرفته در همان ساعت
 شب زخمهای ایشان را شسته واو واهل خانه او همگی فی الفور
 ۳۴ تعمید یافتند * وایشان را بخانه خو آورده سفره را نزد ایشان
 ۳۵ کشاد وخور وفاندان او باجان خدا خرمی میکردند * وچون روز
 کردید سرداران یساوانرا فرستاده امر نمودند که آن اشخاص را ربا
 ۳۶ نما * پس زندانبان باین کلام پولس را خبر داده که سرداران
 فرستاده اند که آزاد باشید پس حالا بیرون آمده بسلامت بروید
 ۳۷ * پولس آنها را گفت که نی نشاید که بعد از آنکه مارا آشکارا زوند
 باوجود آنکه حجتی بر ما تمام نکرزند ومردمان رومی هستیم وبنزدان
 انداختند حالا پنهانی مارا بیرون بیاورند بلکه خود آمده مارا بیرون

۳۸ بیاورند * پس یساولان این خبر را بسروران رسانیدند و ایشان
 ۳۹ چون شنیدند که رومی هستند ترسیدند * پس آمدند و التماس نمودند
 ۴۰ ایشانرا بیرون آورند و استدعا نمودند که از شهر بیرون روند * پس
 ایشان از زندان بیرون آمده بنزد لودیّه آمده و برادران را ملاقات
 نمودند آنها را پند داده روان شدند

باب هفدهم

- ۱ پس آنها از امفپلس وز اپلونیّه عبور نمودند به تسلونیقی که در آنجا
- ۲ مسجد یهودیان بود رسیدند * آنچنانکه پولس را رسم بود بنزد
- ۳ ایشان آمده در سه سبت از کتاب با ایشان گفتگو نمود * و شرح
 میگرد و دلیل می آورد که مسیح را ضرور بود که کشته گردد و از
 مردهگان بر خیزد و این عیسائی که من خبرش را بشما میرسانم
- ۴ همان مسیح است * و تنی چند از ایشان قبول نمودند با پولس
 و سیلاس شریک شدند و بسیاری از یونانیان خدا پرست و برخی
 ۵ از زنان نجیب نیز قبول نمودند * پس یهودیان بی ایمان حسد
 برده و او باشی چند از اهل بازار را با خود گرفته و فتنه بر انگیزند
 شهر را مضطرب نمودند و حخته یاسون آمده بارادّه اینکه ایشانرا
 ۶ بسوی خلق کشانند * و چون ایشانرا نیافتند یاسون و تنی چند
 از برادران را بنزد رؤسای شهر فریاد کنان کشیدند که این
 اشخاص که زمین را زیر و زبر نمودند اند حال باینجا رسیده اند
 ۷ * و یاسون آنها را پذیرفته است و حال آنکه ایشان همه بر خلاف
 احکام قیصر عمل می نمایند و قائل اند بآنکه پادشاهی دیگر هست
 ۸ که عیسی باشد * پس خلق و بزرگان شهر که این را استماع نمودند

- ۹ مضطرب گردیدند * واز یاسون و باقی خلق کرد گرفته آنها را
- ۱۰ مریض نمودند * و بدون تعطل در شب برادران پولس و سیلاس را بشهر بریه فرستادند و ایشان چون رسیدند بمسجد
- ۱۱ یهودیان در آمدند * و نجیب تر بودند خلق آنجا از مردم تسلونیکتی و با کمال رضامندی کلام را پذیرفتند و کتابها را هر روز تفتیش
- ۱۲ نمودند که آیا چنین است یا نه * پس بسیاری از آنها و جمعی از
- ۱۳ زنان یونانی نجیب و مردان نیز ایمان پذیرفتند * و چون یهودیان تسلونیکتی را معلوم شد که پولس در شهر بریه نیز بکلام خدا ندا میکنند
- ۱۴ با تجارفته خلق را برانگیختند * پس بی تأمل برادران پولس را بسمت دریا روانه نمودند لیکن سیلاس و تیموثیوس در آنجا
- ۱۵ توقف نمودند * و راه نمایان پولس او را تا بشهر ائینیه آورده و حکمی بجهت سیلاس و تیموثیوس گرفته که زود بنزد وی روانه
- ۱۶ شوند و مراجعت نمودند * و وقتی که پولس در ائینیه در انتظار ایشان می بود چون ملاحظه نمود که شهر چه سان پر از بت
- ۱۷ پرستی است روح وی متغیر شده * پس در مجمع با یهودیان و خدا پرستان و هر روزه در بازار با اشخاصی که ملاقات اتفاق می افتاد
- ۱۸ گفتگو می نمود * و بتنی چند از اپکوریان و استوکیان فیلسوف او را بر خورده بعضی گفتند که این یاره کو چه می خواهد بگوید و بعضی
- میگفتند که اخبار بخدایان بیگانه می نماید زیرا که مژده عیسی و قیامت را بایشان میداد * پس او را برداشته بکوه مریخ آوردند و گفتند که آیا ما توانیم یافت که ابن تعلیم تازه را که میکوئی چه چیز
- ۲۰ است * زانرو که سخنهای غریب بکوش های ما می رسانی پس

- ۲۱ می خواهیم بیاییم که از اینها چه چیز مدعا است * زانرو که تمامی خلق ائینیه و مسافران ساکن آنجا را جز از گفتن و شنیدن
- ۲۲ سخن تازه خوش نمیکذشت * پس پولس در میان کوه مریخ ایستاده گفت که ای مردان ائینیه من شمارا چنان می بینم که
- ۲۳ در هر امر میل بتعبیه مینمائید * زیرا که چون می کشتم و معبدای شمارا سیر میکردم قربان گاهی را یافتم که در آن خدای غیر معروف را مرقوم شده بود پس آنکس که شما لآعن شعور اورا می
- ۲۴ پرستید من شمارا بهمان اخبار مینمایم * خدائی که عالم را آنچه در آنست آفرید از آنجا که او خداوندگار آسمان و زمین است در
- ۲۵ مساکن از دست ساخته قرار نمی گیرد * و نه بدستهای مردم خدمت کرده می شود که محتاج باشد چیزی زیرا که خود بهمگی
- ۲۶ حیات و نفس و همه چیزها داده است * و از یک نوع خون تمامی اصناف خلق را آفرید تا هر جمیع روی زمین مسکن گیرند و اوقات
- ۲۷ معین و حدود مساکن ایشانرا مقرر فرموده * تا که خداوندرا طلب نمایند که شاید اورا بجویند و یابند و حال آنکه از هیچ کدام از ما دور
- ۲۸ نیست * زیرا که در وی میزئیم و حرکت مینمائیم و موجودیم چنانچه
- ۲۹ چند نفر از شعرای شما نیز گفته اند که ما از نسل اوئیم * پس چون از نسل خدا هستیم نشاید که مظنه کنیم که طلا یا نقره یا
- سنگ منقوش بصنعت و تخیلات مردم شباهت با الهیت وارد
- ۳۰ * خلاصه الحال اوقات جهالت را خدا واکذاشته است و بهمگی
- ۳۱ مردم را در هر جا امر بتوبه میفرماید * زیرا که مقرر فرموده است روزی را که در آن روز بر خلق عالم بعدالت حکم خواهد نمود

بواسطه شخصی که اورا مقرر کرده است و اعتقاد باو این را قرار
 ۳۲ داده است که اورا از میان مردهگان بر خیزانید * و چون نقل
 قیامت مردهگان را شنیدند بعضی استهزا نمودند و بعضی گفتند که
 ۳۳ مرتبه دیگر این سخنهارا از تو خواهیم شنید * و باین وضع پولس
 ۳۴ از میان ایشان بیرون رفت * و چندی ایمان آورده باو ملحق
 شدند که بودند در آن میان و یونوسیوس مشیر وزنی که و مرس
 نام داشت و با ایشان بعضی دیگر

باب هجدهم

۲ بعد از آن پولس از ائینه برآمده بقرنتس آمد * و بامت در آنجا
 مردی یهودی را اقلانام که مولدش پنطس بود و از ایتلیه با زرش
 پرسکله تازه وارد شده بود زیرا که قلوویوس فرمان داده بود که
 ۳ تمامی یهودیان از روم بیرون روند پس بنزد آنها آمد * و از آنجا که
 با آنها هم پیشه بود که خیمه دوزی باشد بنزد آنها مانده مشغول
 ۴ بکار گردید * و در مجمع هر سبت سخن میگفت و یهودیان
 ۵ و یونانیان را مایل می ساخت * و چون سیلاس و تیموثیوس از
 مقدونیه رسیدند پولس جان فشانی نموده نزد یهودیان با استدلال
 ۶ گفتگو میکرد که عیسی مسیح است * و از آنجا که ایشان مخالفت
 می نمودند و کفر میگفتند او دامن را بر ایشان افشاند و گفت که
 خون شما بگردن شما باو من ازین پاکم بعد ازین بنزد قبائل
 ۷ خواهم رفت * و از آنجا نقل مکان نموده در خانه شخصی یوسطس
 ۸ نام خدا پرست که خانه اش متصل بمجمع بود رفت * و رئیس
 مجمع که کرسپس نام داشت با همگی خاندان خود بر خداوند

- ایمان آورد و بسیاری از قرنطیان که این را شنیدند ایمان آورده
- ۹ تعمید یافتند * خداوند در شب در عالم رویا پولس را فرمود که
- ۱۰ مترس بلکه حرف زنان باش و خاموش منشین * زیرا که من
- باتوام و هیچ کس را بر تو دستی نخواهد بود که با تو خصومت نماید
- ۱۱ زیرا که قوم من در این شهر بسیارند * پس مدت یک سال
- و شش ماه در میان آنها تعلیم دهان بکلام خدا توقف نمود
- ۱۲ * و هنگامی که کلیون وزیر اخاب بود یهودیان بهیأت اجتماعی بر
- ۱۳ پولس هجوم آورده او را بمحکمه آوردند * و گفتند که این شخص
- ۱۴ مردم را امر می نماید که خدا را برخلاف شرع پرستش نمایند * چون
- پولس ارادهٔ تکلم نموده کلیون یهودیان را گفت که اگر این
- مقدمه از ظلم یا خیانت چیزی می بود اسی یهودیان شرط عقل
- ۱۵ بود که شمارا متحتمل شوم * لیکن چون این مسئله هست در
- خصوص حرف و اسماء و شریعتی که نزد شما است شما خود میدانید
- ۱۶ که من نمی خواهم که در چنین امری حاکم باشم * پس آنها را از
- ۱۷ محکمه راند * و همگی یونانیان رئیس مجمع سوستنیس را گرفته
- نزدیک محکمه زود و کلیون را ازین مقدمه مطلقا اندیشه نبود
- ۱۸ * و پولس بعد از چند روزی که توقف نمود و سر خود را نخست در
- کنکریه تراشید زیرا که نذر کرده بود برادران را وداع نموده با پرسکله
- ۱۹ و اقلا بر دریا بسوی شام رفت * و بافسس رسید و آنها را در آنجا
- ۲۰ گذاشته خود بمجمع در آمد و با یهودیان تکلم فرمود * و ایشان
- ۲۱ خواستند که مدتی زیاده تر نزد آنها توقف نماید راضی نشد * و آنها را
- وداع نموده گفت که البته مرا بایست که عید آینده را در اورشلیم

کنم لیکن انشاء الله نرو شما باز خواهیم آمد و از افسس لنکر بر
 ۲۲ داشت * و بقیصریه رسیده رفت و کلیسیا را سلام نمود و بانطاکیه
 ۲۳ روان شد * و مدتی در آنجا ماند و از آنجا رفته از میان ملک کلنتیه
 و فرکیه بر حسب ترتیب شاکروانرا استوار کنان گذار می نمود
 ۲۴ * و مردی یهودی مسمی باپلوس که وطنش اسکندریه بود و فصیح
 ۲۵ و در علم کتاب ماهر بود بافسس آمد * این شخص در راه خداوند
 تربیت یافته بود و با دل کرم گفتگو می نمود و در باره خداوند تعلیم
 ۲۶ درست می نمود و مطلع نبود مگر از غسل یحیی * همان شخص
 بی پروایانه در مجمع آغاز سخن گفتن نمود چون اقله و پر سگله این را
 ۲۷ شنیدند او را گرفته بطریق خدا درست تر بیان نمودند * چون اراده
 نمود که باخایه عبور نماید برادران پیش کاغذ نوشتند بشاکروان که
 او را بپذیرند و چون رسید بسیار کمک نمود آنانی را که با بیان
 ۲۸ موفق بودند * زیرا که بر یهودیان با کمال استقلال آشکارا
 حجت را تمام می نمود که از کتب برهان می آورد که عیسی
 مسیح است

باب نوزدهم

۱ و در اوانی که اپلوس در قرنتس می بود اتفاق افتاد که پولس از
 ممالک بعیده گذشته بافسس رسید و شاکروان چند را یافت
 ۲ * ایشان را گفت آیا که شما چون ایمان آوردید روح القدس را
 یافتید گفتندش که بلکه نیافتیم که روح القدس هست یا
 ۳ نیست * ایشان را گفت که چه قسم تعمید یافتید گفتند تعمید
 ۴ یحیی را * پولس گفت بدرستی که یحیی که تعمید توبه میداد خلق را

- گفت که بر کسی که بعد از من می آید ایمان بیاورید یعنی بر
- ۵ مسیح عیسی * چون این را شنیدند با اسم عیسمای خداوند تعمید
- ۶ یافتند * و چون پولس بر آنها دست نهاد روح القدس بر آنها
- آمده آغاز تکلم بزبانهای مختلفه نمودند و بالهام بیان می نمودند
- ۸ * و مجموع مروان تخمیناً دوازده نفر بودند * پس در مجمع درآمده
- بی پروا تا مدت سه ماه در باره ملکوت خدا با استدلال گفتگو مینمود
- ۹ * و چون چند نفر سنگدل می بودند که فرمان نبروند و در پیش گروه
- بر آن طریق بد کوئی می نمودند از آنها جدا شد و شاکردن را جدا
- ۱۰ نمود هر روز در مکتب شخصی طرئس نام گفتگو می نمود * و تا مدت
- دو سال بدین نوع گذشت بنهجیکه تمامی ساکنان اسیه چه یهودی
- ۱۱ و چه یونانی کلام خداوند عیسی را شنیدند * و خدا بر دست پولس
- ۱۲ معجزات باهره ظاهر گردانید * بحدی که دستمالها و دامن
- رختهای را که مس با جلدوی نموده بود آورده بر بیمارانی می
- نهادند و امراض از ایشان دور می شد و روحهای شریر از آنها
- ۱۳ بیرون میرفت * و تنی چند از یهودیان سیاح که عرایم می خواندند
- سعی نمودند که با اسم خداوند عیسی روحهای پلیده را از اشخاص
- بیرون نمایند و می گفتند که شمارا قسم میدهم بان عیسانی که
- ۱۴ پولس بان ندا میکند * و از جمله اشخاصی که این عمل را می
- ۱۵ نمودند هفت پسر اسکیاوای یهودی کاهن بزرگ می بودند * و روح
- شریر ایشان را جواب داد که عیسی را می شناسم و پولس را میدانم
- ۱۶ لیکن شما چه کاره آید * و آن شخصی که روح شریر در وی بود بر
- آنها حمله نمود و ایشان را بچنک آورده بحدی بر آنها زور آور شد

- ۱۷ که برهنه و زخم دار از آن خانه فرار نمودند * و این واقعه بر همگی
یهودیان و یونانیان که ساکن افسس بودند معلوم گردید خوف بر
همگی آنها طاری گشته و بیکر اسم خداوند عیسی را مکرّم میداشتند
- ۱۸ * و بسیاری از آنها که ایمان آورده بودند آمده اعتراف نموده اعمال
۱۹ خویش را اشکارا می کردند * و بسیاری از مشعبدان کتابها را آورده
در حضور خلق سوختند و من آنها را چون حساب نمودند پنجاه
۲۰ هزار ریال یافتند * باین سیاق بشدت کلام خداوند زیاده شده
۲۱ زور پیدا نمود * و بعد از اتمام این مقدمات پولس قلباً اراده
داشت که از مقدونیه و اخیه گذشته باورشلیم رفته باشد و فرمود که
۲۲ بعد از رسیدن باآجا مرا بایست که روم را نیز سیاحت نمایم * و دو
نفر از ملازمانش یعنی تیموثیوس و آراستس را بمقدونیه فرستاده
۲۳ خود در آسیه چندگاهی توقف نمود * و در آن اوان هنگامه عظیمی در
۲۴ باره این طریق برپا شد * که شخصی و میطریوس نام زرگری که
مانند هیکل ارتمس هیاکل از نقره میساخت و بجهت کارکنان
۲۵ شغل بسیاری پیدا مینمود * همان شخص آنها را و اشخاصی
و بیکر را که نیز این پیشرا داشتند فراهم آورده گفت ای جماعت
۲۶ شما خود میدانید که این شغل مدار معاش ما میباشد * و این را نیز
می بینید و می شنوید که تنها در افسس نه بلکه نزدیک تمام آسیه
این پولس خلق بسیاری را ترغیب نموده منحرف کرده است
زانرو که میگوید اینها خدایان نیستند که بدست ساخته میشوند
۲۷ * و خطر او همین بس نیست که پیشه ما را در عرضه تلف شدن
می آرد بلکه هیکل آن ارتمس ماده خدای عظیم ناچیز شود و برتر کسی

- آنکس که همگی استی وخلق عالم اورا می پرستند برطرف شوو
 ۲۸ * چون ایشان این را شنیده غضب آلوده گشتند و شروع بفریاد
 ۲۹ نموده گفتند که بررک است ارتمس افسسیان * وقامی شهر پر از
 اضطراب شده همگی متفقاً بتماشگاه دویند وکایوس وارسطرخس
 ۳۰ مروم مقدونی همراہان پولس را کشیده باخوور برونند * وپولس اراده
 ۳۱ نمود که بمیان خلق درآید شاکردان اورا ممانعت نمودند * واز
 رؤسای استی اشخاصی که باوسی دوست بووند ترووی فرستاده
 ۳۲ سفارش نمودند که بتماشگاه حاضر نشوو * وویکیان فریاد کرده
 چیزی ویکر میگفتند زیرا که محفلی آشفته بوو واکثری نمی وانستند
 ۳۳ که از برای چه آمده اند * پس اسکندر را از میان گروه پیش
 طلبیدند و بهوویان اورا پیش میبروند واسکندر دست را حرکت
 ۳۴ داده خواست که پیش مروم عذری خواسته باشد * چون ایشان
 در یافتند که بهوویست صدائی از همه بلند شد که بدمت دو
 ۳۵ ساعت طول کشید که بررکست ارتمس افسسیان * وچون
 منشی مملکت ایشان را ساکن کردانید گفت ای مروم افسی
 کیست که نمیداند که شهر افسسیان امانت وار ماوه خدای عظیم
 ۳۶ ارتمس و صمنی که از مشتری افتاده است میباشد * پس چون
 این نقل را ممکن نیست که انکار نمایند شمارا باید که آرام گرفته
 ۳۷ بی تامل هیچ کارا نمائید * زیرا که آورید شما این اشخاص را
 ۳۸ که نه وزوان هیکلند و نه کفر کوبنده کان بر ماوه خدای شما * پس
 اگر و میطر یوس وهم پیشکان او ادعائی باکسی دارند حال وقت
 ۳۹ عدالت میباشد ووزرا نشسته اند با یکدیگر معارضه نمایند * ودر

صورتی که چیز دیگر را طالب هسید در محکمه شرعی فیصل
 ۲۰ خواهد یافت * زیرا که محل خطر است که متهم بفتنها شویم
 بسبب مقدمه امروزه عذری نداریم که توانیم بر این هنگامه
 ۲۱ آورده باشیم * پس این سخنهارا گفته خلق را مرخص نمود

باب بیستم

- ۱ و بعد از اتمام این هنگامه پولس شاکر و انرا طلب نمود و دعا نموده
- ۲ جدا شد تا بسوی مقدونیه برود * و از میان آن نواحی گذشته
- ۳ آنها را بسخنهای بسیار پند داد و بیوان آمد * و سه ماه در آنجا
- بسر برود چون خواست که از راه دریا بسوی شام روانه شود
- ۴ راه مقدونیه باز کرد * و مصاحبان او تا باستیه با او بودند سوپرس
- بربی و از تسلونیکیان ارسطرخس و سکوندس و کایوس از دریا
- ۵ و تیموثیوس و از اهل استیه تخکس و ترفمس * پس اینها پیش
- ۶ رفته در طرواس مارا انتظار می کشیدند * و ما بعد از ایام فطیر
- از فیلیپی از راه دریا روانه شده در پنجم روز در طرواس بانها رسیدیم
- ۷ مدت هفت روز در آنجا توقف نمودیم * و در روز یکشنبه چون
- شاکردان بجهت شکستن نان باهم جمع شده بودند و پولس
- اراده داشت که با مدادان رفته باشد بانها تکلم مینمود و تا نصف
- ۸ شب کلام طول کشید * و در آن بالا خانه که جمع شده بودند چند
- ۹ چراغ گذاشته شده بود * و پسری بود او تخس نام که نزدیک بدریچه
- نشسته بود و چون شدت خواب او را گرفته بود از آنجا که پولس
- کلام را طول داد او را خواب ربوده از طبقه سیم پائین افتاد چون

- ۱۰ اورا برداشتند مروه بوو * پولس پائین آمده و بر روی او افتاده
- اورا در آغوش کشید و گفت مضرب مباشید که جان او در او
- ۱۱ هست * پس بالا رفته و نازرا شکسته و چشیده قدری گفتگو کرد تا
- ۱۲ صبح کشته در آنحالت روان گردید * و پسرا زنده آوردند و بسیار
- ۱۳ مطمئن گردیدند * و ما بکشتی نشسته پیش باتس رفتیم و خواستیم
- که از آنجا پولس را با خود بریم چنانچه او که اراده خشکی داشت
- ۱۴ همین نحو مقرر کرده بوو * پس چون در اتس با ما ملاقات نمود
- ۱۵ اورا برداشته بمطینه آمدیم * و از آنجا از راه دریا روز دویم بمقابل
- خیوس رسیدیم و از آنجا روز دویم بسامس رسیدیم و در طرف کلیون
- ۱۶ توقف نموده روز دویم وارو ملیطس گردیدیم * زیرا که پولس اراده
- داشت که از مقابل افسس بگذرد که مبادا ماندن در استیه بر او
- لازم گردد زانرو می شتافت که اگر ممکن باشد روز پنجاهم در
- ۱۷ اورشلیم باشد * پس از ملیطس بافسس فرستاده کشیشان
- ۱۸ کلیسیا را طلب نمود * چون بنزوش حاضر شدند ایشان را گفت
- که شمارا معلوم است که از روز اول که در استیه رسیدیم چه سان
- ۱۹ همیشه اوقات با شما بووه ام * و پیوسته در بنده کسی خداوند بووم با
- تمامی خشوع و اشکهای بیشمار و آرزوهای ما که از مشورت یهودیان
- ۲۰ بر من واقع شد * و چه وضع من از آنچه مفید بوو بشما از شما
- هیچ پنهان نداشتیم بلکه خبر وادوم بشما و علانیه خانه بخانه شمارا
- ۲۱ تعلیم میدادم * و پیوسته با یهودیان و یونانیان نیز در ندا توبه بسوی
- ۲۲ خدا و ایمان بر خداوند ما عیسای مسیح مشغول بووم * و اکنون
- از روح مقید شده بسوی اورشلیم میروم و از آنچه در آنجا بر من

- ۲۳ واقع کرو و مطلع نیستم * مگر آنکه پیوسته روح القدس در شهر بشهر
این خبر را میدهد که بنده و زحمتهما بجهت من آماده می باشد
- ۲۴ لیکن من آنها را هیچ نشمرده بلکه جان خود را نیز عزیز نمی دارم
بجهت خود بشرطی که فرصت یافته دور خود را بسرور بجا آورم
و آن خدمتی را که از جانب عیسی خداوند مامورم که ببشارت
۲۵ فضل خدا ندا کنم * و الحال این را میدانم که تمامی شما که در میان
شما گذشته ام و بشارت بملکوت خدا داده ام بار دیگر صورت مرا
۲۶ خواهید دید * و بجهت این امروز من شما را گواه می گیرم که
۲۷ من منزه هستم از خون همگی * زیرا که من باز نایستاده ام از
۲۸ خبر دادن شما را بهر آنچه مشیت خداست * پس متوجه خود
بوره و تمامی آن کله که روح القدس شما را بر آنها اسقف قرار
داده است که بچرانید کلیسای خدا را که بخون خود تحصیل
۲۹ نموده است * زیرا که من این را میدانم که بعد از جدائی من
کرکان و زنده بمیان شما خواهند درآمد که بر کله ترحم خواهند نمود
۳۰ * بلکه از میان شما خود کسان چند خواهند برخاست و سخنان
۳۱ کج خواهند گفت تا شاگردان را بعقب خود در آورند * پس
هشیار باشید و یاد و ارید که در مدت سه سال شب و روز باز
۳۲ نایستادم و پیوسته با اشکها هر یک را نصیحت می نمودم * و الحال
ای برادران من شما را بخدای سپارم و بکلام انعامش که قادر
است بر آنکه شما را مستعد نماید و میراث بخشد شما را با همگی
۳۳ مقدسان * و نقره یا زر یا لباس کسی را طمع نه نمودم * و شما خود
میدانید که این دستهای من بجهت احتیاجات خود و مصاحبانم

۳۵ خدمت نمودند * و من این همه را بجهت شما بیان نمودم که
شمارا نیز باید که بمشقت خود ضعفا را کمک نمائید و یاد آرید کلام
خداوند عیسی را که فرمود وادن فرخنده تر است از گرفتن
۳۴ * و اینهارا گفته بزانو در آمد و با همگی ایشان دعا کردن گرفت
۳۷ * و قامی را گریه بسیاری دست داده بر روی پولس افتادند و او را
۳۸ می بوسیدند * زیرا که بسیار متألم بودند از آن سخن که گفت
۳۹ * و بیکر بر صورت من نخواهید نگرست و تا کشتی او را بدرقه
نمودند

باب بیست و یکم

۱ چون از برای روان شدن از ایشان جدا شده در دریا براه
۲ راست بکوس آمدیم و روز دوم برووس و از آنجا بپطره * و در آنجا
یافتیم کشتی را که بفرینیقی عبور می نمود بر آن سوار شده روانه
۳ شدیم * و قپرس ظاهر کشته آنرا بر دست چپ گذاشته بسوی
شام رفتیم و بصور رسیدیم زیرا که کشتی بار خورا در آنجا فرود می
۴ آورد * و یافتیم شاکردان را و در آنجا هفت روز ماندیم و ایشان
۵ پولس را بالهام روح گفتند که باورشلیم نرو * چون آن ایام را
با تمام رسانیدیم بیرون آمده روانه شدیم و ایشان قامی با زنان
و اطفال تا بیرون شهر ما را بدرقه نمودند و بر ساحل بزانو در آمده
۶ دعا نمودیم * و یکدیگر را تحیت گفته ما بر کشتی سوار شدیم و ایشان بر
۷ کشتند بخانههای خود * و راه دریا را بانجام رسانیده از صور
بطلمایس رسیدیم و در آنجا برادران را سلام گفته یک روز با ایشان
۸ بودیم * و با مدادان مصاحبان پولس بیرون آمده بقیصریه رسیدند

- و بخانه فیلیپوس که رسول و یکی از آن هفت نفر بود در آمده نرو
- ۹ وی ماندم * و بود این شخص را چهار دختر ووشیزه که بالهام تکلم
- ۱۰ می نمودند * و چون چندی در آنجا توقف نمودیم اخبار دهنده از یهودیه
- ۱۱ رسید که اسمش اکبس بود * چون نرو ما آمد کمر بند پولس را
- برداشته دستها و پاهای خود را بسته گفت که روح القدس میفرماید
- که شخصی را که این کمر بند زان اوست در اورشلیم یهودیان
- اورا باین طور خواهند بست و بدست قبایلش خواهند سپرد
- ۱۲ * چون این را شنیده همگی ما و کسانی که در آنجا بودند التماس
- ۱۳ نمودیم که باورشلیم نرو * پولس ایشان را جواب داد که چه کار می
- کنید شما که می گزیدید و اولم را می شکنید زیرا که من آماده هستم نه
- محض برای بسته شدن بلکه برای آنکه در راه اسم خداوند عیسی
- ۱۴ مرده باشم * پس چون او نمی پذیرفت خاموش گردیده گفتیم که
- ۱۵ آنچه مشیت خدا است بشو * و بعد از آن ایام تدارک دیده
- ۱۶ روانه اورشلیم گردیدیم * و تنی چند از شاگردان از قیصریه بهما راهی
- ما آمدند تا ما را بیزند نرد کسی که مهمان او باشیم یعنی منسون
- ۱۷ قبری شاکر قدیم * و چون باورشلیم در آمدیم بخوشنودی برادران
- ۱۸ ما را پذیرفتند * و روز دوم پولس باتفاق ما بنرو یعقوب رفت
- ۱۹ و همگی کشیشان حاضر بودند * پس ایشان را سلام نمودم مفصلاً
- آن چیزائی را که خدا در میان قبایل بوساطت خدمتش نمود
- ۲۰ بود بیان نمود * و چون ایشان اینها را شنیده خداوند را تعظیم
- نمودند و او را گفتند که ای برادر می بینی که چند هزار یهودیان ایمان
- ۲۱ وار میباشند که در شریعت تعصب دارند * و در باره تو چنین

یافته اند که همگی بهودرا در میان قبایل تعلیم بجدائی نمودن از موسی می نمائی که میکوئی اولادرا ختنه نه نمایند و رفتار بحسب ۲۲ آئین نه نمایند * پس چه باید کردن که البته خلق باهم اتفاق خواهند ۲۳ نمود چه آگاه خواهند شد که تو آمده * پس این عمل را که ما بتو می گوئیم کرده باش که هستند نزد ما چهار نفر که نذر نموده اند بجهت ۲۴ خود * تو آن اشخاص را برواشته همراه اینها تطهیر نما و بر آنها خرج کن تا که سرمای خود را بتراشند تا همگی را معلوم شود که آنچه در باره تو شنیده اند مطلقاً اصلی ندارد بلکه تو خود در محافظت ۲۵ شریعت میکوشی * ولیکن در باره قبایل ایمان دار حکم نمودیم و صلاح دیدیم که ایشان امثال این چیزها را هیچ بجا نیارند مگر ۲۶ آنکه از قربانیهای بت و خون و خفه شده ها و زنا به پرهیزند * پس پولس آن اشخاص را روز دیگر برواشته و تطهیر نموده بهیكل در آمد و خبر از تمام شدن آیام طهارت میداد تا آنکه هدیه بجهت ۲۷ هر یک از ایشان آورده شود * چون هفت روز نزدیک بانجام بود بهودیان استی اورا در هیكل ملاقات نمودند تمامی خلق را بر ۲۸ انگیزند و دستهارا بر او دراز نمودند * و فریاد نمودند که ای مردان اسرائیل مدد نمائید که اینست آنکس که همگی را در هر جا بخلاف امت و آئین و این مقام تعلیم مشایخ و علاوه بر آن یونانیانرا بهیكل داخل نموده است و این مکان مقدس را ملوث گردانیده است ۲۹ * چه قبل ازین طرفمس افسی را در شهر باوی دیده بودند و مظنه ۳۰ داشتند که پولس اورا بهیكل در آورده است * پس همگی شهر بحرکت در آمدند و مردم باهم هجوم آورده پولس را گرفته از میان

فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان .</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریآن</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ 1</p> <p>انجیل مرقس 83</p> <p>انجیل لوقا 135</p> <p>انجیل یوحنا 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان 496</p>
---	---

هللا ةالص

، برلا اها

قفرع نم نكم تن ىتح جار فالال مت دقو اذه ديدجل دهعلا والي جبالا اذه ىلع ارکش
لكن ع ديزملا

تنا .ح اتملا ينورتكلال باتكل اذه عنص نع ملو एस مل بعشلا قدع اسم ءاجرلا
مهتدع اسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكل ارشكأ اهل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدع اسم ءاجرلا
ةح اتملا هي نورتكلال

نوكت يكف هجاتحت يذلا تقولا و قوقو ، لاومال او دراوملا عيمج ىلع امتدع اسم ءاجرلا
لمعلا ةلصاوم ىلع قرداق
لكن

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدع اسم ءاجرلا
اهل ديرت يتلا لامع الل يحو رلا مهفلا مهنم لك اعط او رارمتسال قوق اهئاطع اى جري
هل عفت نأ

ركذنتل او فوخل مدعل مهنم لك قدع اسم ءاجرلا
ءيش لك نع لوؤسملا او ةالصلا مبوچا يذلا هللا تنأ نإ

نوكراشي مهنا قراز & لمعلا ، مهتياح مكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدا
هيف

يتلا تابقعل نم امريغ وا هي حورلا تاوقلا نم مهتياح متلضفت نأ هللا وعدا
لفسا ىلا امنم عطب وا مريض نأ نكمي

هذه نم اول عج نيذلا سانلا اضي ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدع اسم ءاجرلا
رارمتسال اهل ىنس تي ىتحو اهيلع ىلصي نا عيطتسا ىتح ، ةح اتملا هعبطلا
سانلا نم ربكاددع قدع اسم يف

فوس كن او ، (ديدجل دهعلا) قدقملا قملك كل بح ينيطعت تنك نا هللا وعدا
ةينمزللا قرتفل او مهفل لضفا لئنا فرعت نا من طفل او قملك حل او هي حورلا ينيطعت
اهي شيعن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصلا عم لماعتلا ةيفيك قفرع يه يتدع اسم ءاجرلا
نيرخال دعاسن نا ديرنو لضفا لئنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا دروللا .موي
لماعلا لوحو قوطنملا يدلب يه نيحي سمل

مكتمكح مهدعاست نيذلا او بختنملا ينورتكلال باتكل ايطعي نا مكل هللا وعدا

مكعب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نا مكل هللا وعدا

قرطلا لكب مكلة عباتم لوبق ديرتو

ءايشالا هذه لعفا نا مكئم بلطاو ، تاقوالا هذه يف هي جوتلا او هعتملا اني طعي امك
نيم ، عوسي مساي يف

- Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible, y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutalo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutalo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

- Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

(por que nós traduzem isto em muitas línguas?
Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.

O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

Dear Lord,

Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you.

Please help accurate versions to have wide circulation.

Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.

Please help the people responsible for making this Ebook available.

Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available

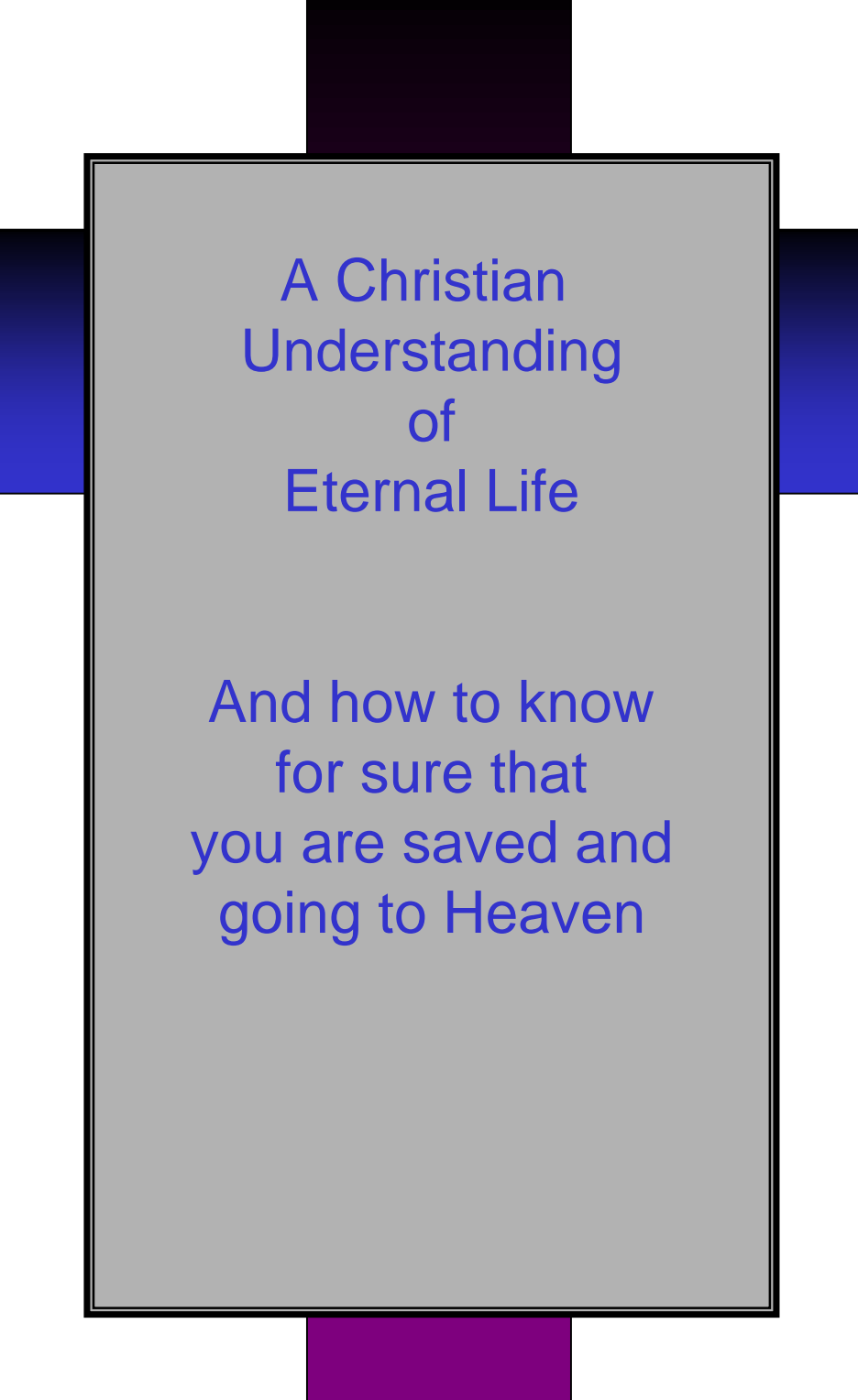
Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.

Please help their family members to not be deceived. Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective.

Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.

I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.

I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,



A Christian
Understanding
of
Eternal Life

And how to know
for sure that
you are saved and
going to Heaven

Saved - How To become a Christian how to be saved

**A Christian is someone
who believes the
following**

*Steps to Take in order to become a
true Christian, to be Saved & Have a
real relationship & genuine
experience with the real God*

**Read, understand, accept and
believe the following verses from
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of
the glory of God;

2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a

**fact that you have been given
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:

" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you

to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is

that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked
Jesus to come into your life**

Find the following passages in the Bible and begin to read them:

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**

them, so that you can understand more about God and how He works.
6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your fears and concerns, and ask him for help and guidance.
7. email or tell someone about the great decision you have made today
!!!

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.**

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

[...and if so , then how does believing save a person?](#)

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ?
because they are magical ?
No, because of the sovereignty of God, *because of what God does to them, when they ask him into their heart & life.* When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of* what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.**"(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.
17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.

Prayers that count

The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".

God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:

(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.

(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.

(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.

(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.

(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon
the Textus Receptus are
the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK
TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of
this edition is actually from 1880 which means
it was produced prior to the Revised Version
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is
the standard historic Koine Greek Text of the
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online
Under "Textus Receptus". There are 2
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by
Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;
they shall mount up with wings as eagles;
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

I Thessalonians 4: 13_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.

14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.

15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.

16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:

17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.

18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord

so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.

4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.

5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.

2 And five of them were wise, and five were foolish.

3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:

4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.

5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.

6 And at midnight there was a cry made,

Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.

7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.

8 And the foolish said unto the wise,

Give us of your oil; for our lamps are gone out.

9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.

10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.

11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.

12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.

13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [9] Parts.
All are available online **Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN 1837**

-
Please Note:

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,
use, distribute personally or in file sharing systems,
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website
is granted.**

**Note: Do not always depend on
large “storage” websites. Do not depend on websites
in the west. Sometimes large websites are affected
and then no longer work. For your convenience
and easy access, Please keep copies of this
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage
space available.

Téléchargement = Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and
for our protection in all ways and at all times.
Thanks.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI)
of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [9]

Parts:

Part 1

Part 2

Part 3

Part 4

Part 5

Part 6

Part 7

Part 8

Part 9

All are available online
Persian New Testament
Edition of **HENRY MARTYN**
1837

Téléchargement
Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson
The Two Babylons by Hislop
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander
The [Idolatry of] the Worship of Mary by J. Endell Tyler
Books by George STANLEY Faber
Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,
Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =
Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)
[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦	.	.	.	١ تيموثاوس	٢٨	.	.	اصحاحات	انجيل متى
٤	.	.	.	٢ تيموثاوس	١٦	.	.	"	انجيل مرقس
٢	.	.	.	٢٤ تيطس	٢٤	.	.	"	انجيل لوقا
١	.	.	.	٢١ فليمون	٢١	.	.	"	انجيل يوحنا
١٢	.	.	.	٢٨ العبرانيين	٢٨	.	.	"	اعمال الرسل
٥	.	.	.	١٦ يعقوب	١٦	.	.	"	رومية
٥	.	.	.	١ بطرس	١٦	.	.	"	١ كورنثوس
٢	.	.	.	٢ بطرس	١٣	.	.	"	٢ كورنثوس
٥	.	.	.	١ يوحنا	٦	.	.	"	غلاطية
١	.	.	.	٢ يوحنا	٦	.	.	"	افسس
١	.	.	.	٢ يوحنا	٤	.	.	"	فيلبي
١	.	.	.	يهوذا	٤	.	.	"	كولوسي
٢٢	.	.	.	٥ رؤيا يوحنا	٥	.	.	"	١ تسالونيكي
	.	.	.	٢ وجميعها سبعة وعشرون سفرًا	٢	.	.	"	٢ تسالونيكي